

فصلنامه دانش انتظامی سمnan ، دوره دوازدهم ، شماره چهل و پنجم ، پاییز ۱۴۰۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۱۴

صفحات: ۵۷ - ۹

عوامل موثر بر اقتدارگرایی پلیس با رویکردی انتقادی به قانون کاهش مجازات حبس

تعزیری

نویسندگان :

محمدحسین امین^۱، محمد میرزایی^{۲*}

چکیده

زمینه و هدف: حفظ جان و مال شهروندان، تامین امنیت و پیشگیری از جرائم از تکالیف پلیس است. علیرغم فوائد قانون حبس تعزیری ۱۳۹۹ از نواقص آن که بسترساز افزایش جرائم، سلب آسایش عمومی و جری شدن مجرمین است نباید به سادگی عبور کرد؛ تقویت اقتدار پلیس به نحوی که بتواند با اقداماتی سنجیده با پدیده های مجرمانه مقابله نموده و زمینه زندگی راحت تر را برای شهروندان فراهم آورد اجتناب ناپذیر است؛ این مهم با جلوگیری از سوء استفاده مجرمین از تصویب این قانون و رفع معایب گزارشات ضابطین تحقق می یابد.

روش: پژوهش حاضر از منظر هدف کاربردی و از لحاظ روش؛ کیفی اکتشافی است که با تحلیل مضمون انجام شده و جامعه آماری شامل قضات، وکلا، اساتید و خبرگان انتظامی به بررسی موارد سوء استفاده از این قانون و نیز معایب گزارشات ضابطین پرداخته است. حجم نمونه با توجه به ضرب اشباع نظری به تعداد ۱۱ نفر رسید و داده ها نیز با مصاحبه های نیمه ساختار یافته گردآوری و از طریق کدگذاری مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: موارد سوء استفاده مجرمین در اشتباهات قانونگذاری و مهم ترین نواقص گزارشات نیز در عدم تنوع سوالات، عدم ذکر دقیق وقایع، عدم بکارگیری روش های نوین علمی، و وجود تخلفات خلاصه میگردد.

۱ : کارشناسی ارشد - mohammadhosseinamin75@gmail.com

۲ : استادیار پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی فراجا - md92.mirzaei@gmail.com

نتایج: اصلاح قانون و سیاست جنایی، آگاه سازی پلیس نسبت به وظایف خویش، اصلاح فرآیند تحقیق و بازجویی، تحقق پلیس علمی، تداوم آموزش و برخورد با تخلفات و فسادها از جمله راهکارهای بدست آمده جهت جلوگیری از قانون گریزی، رفع نواقص گزارشات و افزایش اقتدار پلیس میباشد.

کلیدواژه ها: اقتدار، گزارشات ضابطین، امنیت، پیشگیری، پلیس

مقدمه

حفظ جان و مال شهروندان، تامین امنیت ایشان در جامعه، تضمین حقوق شهروندی، پیشگیری از بروز آسیب های اجتماعی و متعاقب آن ارتکاب جرائم را میتوان در زمره حقوق مردم و تکلیف نهادهایی مثل پلیس در جامعه دانست. در عصر حاضر که بحران های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... به جوامع دنیا از جمله جامعه بزرگ ایران هجوم آورده و سبب بروز وقایع پیش بینی نشده، تنش ها، تعارضات منافع، اختلاف ها و رفتارهای هنجار شکنانه گردیده؛ تقویت اقتدار پلیس بعنوان نهادی که زیر ذره بین شهروندان است تا بتواند ضمن پای بندی به حقوق بشر از جمله حق آزادی، با اقداماتی به موقع، سنجیده و تا حد امکان پیشگیرانه با پدیده های فوق مقابله نموده، رضایت خاطر ایشان را بدنبال آورده و زمینه زندگی راحت تر و با آرامش بیشتر را برای همه شهروندان فراهم آورد، بسیار ضروری و اجتناب ناپذیر است. اگر پلیس فردی را بابت ارتکاب جرمی دستگیر اما بواسطه سیاست حبس زدایی و تخفیفات گسترده مندرج در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹، فرد مذکور پس از چندی با تمسخر و ریشخند آزادانه اقدام به حضور در انظار عمومی نماید و تاوان ارتکاب جرم خود را به نحو بازدارنده ای پس نداده باشد چه اثراتی بر اذهان عمومی میتواند داشته باشد؟ چه آثار مثبتی بر بازداشت های بدون نتیجه مجرمین توسط پلیس مترتب است؟ آیا غیر از این است که عملکرد پلیس را بی ثمر قلمداد کرده و اسباب بدبینی

به نظام و مجموعه قضایی کشور را فراهم می آورد؟! آیا تصویب قانون جدید به نوعی هزینه ارتکاب جرم را در دیدگاه مجرمان کاهش نداده است؟ اگر مجرمی درک کند علیرغم ارتکاب جرم باز هم از آزادی نسبی برخوردار خواهد بود و سخت گیری چندانی در اعمال کیفر بر او وجود ندارد بر ارتکاب مجدد جرم ترغیب نمی گردد؟ امری که بدون شک افزایش جرائم را به دنبال داشته و نمایانگر عملکرد ضعیف پلیس در پیشگیری از وقوع جرائم خواهد بود که در خور توجهی مضاعف است. مطابق ماده ۳ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹: «هدف از تشکیل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگرهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چهارچوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است.» اهم مأموریت و وظایف نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی در بند ۸ ماده ۴ بدین شکل مورد اشاره قرار گرفته است:

« الف - مبارزه با مواد مخدر.

ب - مبارزه با قاچاق.

ج - مبارزه با منکرات و فساد.

د - پیشگیری از وقوع جرم.

ه - کشف جرایم.

و - بازرسی و تحقیق.

ز - حفظ آثار و دلایل جرم.

ح - دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفاء آنها.

ط - اجرا و ابلاغ احکام قضایی.

ظ - انجام امور مربوط به تشخیص هویت و کشف علمی جرایم.»

هدف از این تحقیق، بدست آوردن یافته هایی در جهت تحقق هر چه بهتر این ماموریت ها و افزایش اقتدار پلیس میباشد. تحقق اقتدار پلیس در گرو جلوگیری از سوء استفاده مجرمین از تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و نیز رفع نواقص و معایب گزارشات ضابطین میباشد که در این تحقیق به آن پرداخته خواهد شد. بکارگیری روش

کیفی و مصاحبه با خبرگان امر، کاربردی بودن موضوع و کمک به حل چالش تکرار جرائم، نگاهی نو به ابهامات قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و نیز ارائه پیشنهادها کاربردی جهت افزایش هرچه بیشتر اقتدار پلیس از نوآوری های این تحقیق محسوب میشود. بی شک دستاورد های بسیاری از رهگذر این تحقیق نصیب گروه های بهره بردار خواهد شد که میتوانند ضمن افزایش اقتدار و مقبولیت پلیس در اذهان عمومی، در برخورد موثرتر قوه قضائیه با مجرمین و کاهش ورودی پرونده ها نیز موثر افتاده و استقرار هر چه بیشتر نظم، آرامش و آسایش عمومی را به همراه داشته باشد. آسایشی که بیش از پیش زمینه ساز افزایش اعتماد مردم به یکدیگر و به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران خواهد گردید.

سوالی که در این تحقیق بدنبال پاسخ به آن بوده ایم عبارت است از :

با توجه به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، چه راهکارهای عملی جهت افزایش اقتدار پلیس در مقابله با جرائم، به دام انداختن مجرمین حرفه ای و جلوگیری از قانون گریزی آنها وجود دارد؟

سوالات مصاحبه نیز از قرار ذیل است:

الف. قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ با هدف ضرورت بازنگری در مجازات ها، تقلیل جمعیت زندانیان و صرفه جویی در هزینه های عمومی مربوط به اداره زندانیان، همچنین عدم وجود ملاک قضایی و منطق حقوقی در تعیین مجازات حبس تعزیری برای جرایم مختلف، عدم انطباق مجازات حبس با احکام شرعی و فقدان سابقه در حکومت اسلامی عصر پیامبر به تصویب رسید. از جمله آثار تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری؛ آزادی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان، تجری مجرمین در ارتکاب مجدد جرائم، افزایش حجم ورودی پرونده ها به دادگاه کیفری ۲ و در مواردی گسترش انتقام ها و خصومت های شخصی ملاحظه شده است. علیرغم تاکیدات فراوان مقامات قوه قضائیه همچنین قانون جدید مبنی بر صدور حکم به حداقل حبس و پیش بینی اختیار اعمال تخفیفات فراوان ... بنظر شما:

۱. موارد جدید سوء استفاده و قانون گریزی مجرمین پس از تصویب این قانون چیست

۲. با توجه به آثار فوق الذکر، با ارائه چه راهکارهایی میتوان از تکرار و افزایش آمار جرائم جلوگیری نموده و به پلیس در برخورد قاطع تر با مجرمین کمک نمود؟

ب. با توجه به تاکیدات قانون اساسی، سیاست های کلی ابلاغی رهبری و برنامه های پنجساله توسعه بر پیش گیری از وقوع جرم و صیانت از حقوق شهروندی و از آنجائیکه احکام دادگاه ها باید مستدل و مستند به ادله باشد و یکی از مستندات و امارات قضات جهت صدور احکام گزارش ضابطین و صورت مجالس میباشد... بنظر شما:

۳. مهم ترین نواقص و معایب گزارشات ضابطین بخصوص پس از تصویب قانون کاهش حبس تعزیری چیست؟

پیشینه پژوهش

۱. احمدزاده، رسول؛ تام، مجتبی، ۱۴۰۰، ملاحظاتی درباره قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با دیباچه غلامحسین الهام، چاپ چهارم، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه:

نویسندگان که خود از قضات دادگستری میباشند در این اثر ارزشمند به شرح تک تک مواد قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، آراء وحدت رویه و نظرات مشورتی مرتبط با آنها پرداخته و به خلاها و نواقص عملی این قانون در دادگاه و دادسرا نیز اشاره داشته اند که از آن اثری جامع، کامل و بی بدیل ساخته است اما به موضوع موارد سوء استفاده و قانون گریزی مجرمین از این قانون و نیز نواقص گزارشات ضابطین و تاثیر آن بر اقتدار پلیس اشاره ای نداشته اند.

۲. رسولی زکریا، علی، ۱۳۹۹، شرح قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (تفسیری، انتقادی)، چاپ اول، تهران، دادستان با همکاری کتاب آوا:

نویسنده در این اثر گرانبمایه به تاریخچه طرح کاهش حبس تعزیری اشاره نموده و پس از آن به شرح و بسط مواد قانون تصویب شده با رویکردی انتقادی پرداخته است ولی به موضوع موارد سوء استفاده و قانون گریزی مجرمین از این قانون و نیز نواقص گزارشات ضابطین و تاثیر آن بر اقتدار پلیس بصورت تفصیلی اشاره ای نداشته است.

۳. مصدق، محمد، ۱۴۰۰، شرح قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، چاپ سوم، تهران،

جنگل:

نویسنده در این اثر بر خلاف دو اثر فوق الذکر به شرح موضوعی قانون کاهش حبس تعزیری پرداخته و از عناوین چالش برانگیزی نظیر کاهش یا تبدیل مجازات، توسعه قلمرو مجازات های تکمیلی، توسعه و تسهیل ارفاق های قانونی و تعدد و تکرار جرم سخن به میان آورده است که وجه تمایز آن با دیگر آثار این حوزه است اما ایشان نیز به موضوع موارد سوء استفاده و قانون گریزی مجرمین از این قانون و نیز نواقص گزارشات ضابطین و تاثیر آن بر اقتدار پلیس اشاره ای نداشته اند.

۴. فیروزی نیا، اکبر، ۱۴۰۰، «تحلیل و بررسی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در

حقوق موضوعه ایران»، نشریه مطالعات حقوق، شماره ۵۳، صص ۱۷-۴۱:

نویسنده اشاره ای به سابقه مجازات های تعزیری در شرایع قبل از اسلام داشته و نمونه هایی نظیر تازیانه زدن و منزوی کردن را در همین راستا ذکر نموده است. سپس به تعریف تعزیر در اسلام و قوانین جزایی ایران پرداخته و طبقه بندی دوگانه از تعزیرات به تعزیرات شرعی نظیر مسائل خلاف عفت و تعزیرات حکومتی نظیر گرانفروشی، کم فروشی و احتکار ارائه میدهد. ایشان با در نظر گرفتن معایب اجرای مجازات حبس، ضمن بررسی تطبیقی حقوق کشورهای نظیر آلمان، کانادا و فرانسه به تعریف و تبیین مجازات های جایگزین حبس نظیر جزای نقدی، خدمات عام المنفعه، مصادره اموال، پرداخت غرامت به مجنی علیه، حبس در منزل و گذراندن دوره های آموزشی پرداخته است. نویسنده پس از ذکر اهداف مجازات ها در حقوق اسلام و حقوق عرفی در صفحات پایانی مقاله به بررسی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری پرداخته و از جنبه شکلی و ماهوی تغییرات قانون جدید از جمله حبس زدایی، گسترش تخفیفات و قابل گذشت اعلام نمودن جرائم را مورد اشاره قرار داده و در پایان به این نتیجه دست می یابد که حاکم اسلامی برای تنبیه بزهکاران و مجرمین از اختیار کامل برخوردار است و میتواند از انواع مجازات هایی که ذکر شد و به نوعی مناسب جهت اصلاح فرد و جامعه است استفاده نماید. همانگونه که ملاحظه میشود علیرغم عنوان مقاله، عمیقا به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری پرداخته نشده است و عمدتا مطالبی مطرح گردیده است که جزء مسلمات بوده و در قوانین کیفری کشورها از جمله ایران نیز گنجانده شده است. از طرفی به موضوع موارد سوء استفاده و قانون گریزی

مجرمین از این قانون و نیز نواقص گزارشات ضابطین و تاثیر آن بر اقتدار پلیس نیز پرداخته نشده است که وجه تمایز آن با تحقیق پیش روست.

۵. خادمی داراکویه، محسن؛ جلالی، مینا؛ دستغیب، نورالسادات؛ ۱۳۹۹، «نقد و بررسی چالش های ناشی از تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب سال ۱۳۹۹»، نخستین کنفرانس ملی حقوق فقه و فرهنگ:

نویسنده به تعریف تعزیر در اسلام و قوانین جزایی ایران پرداخته و طبقه بندی دوگانه از تعزیرات به تعزیرات شرعی و تعزیرات حکومتی ارائه میدهد. پس از ذکر اهداف مجازات ها در حقوق اسلام و حقوق عرفی به بررسی پاره ای از ابهامات قانون کاهش مجازات حبس تعزیری نظیر مواد ۱، ۳، ۴ و ۱۱ و اثبات فرضیه های پیرامون آنها پرداخته است. وجه تمایز این تحقیق نسبت به تحقیقات مشابه خود در این است که به منظور اثبات صحت فرضیه ها به توزیع ۱۳۰ عدد پرسشنامه در میان متخصصین امر پرداخته و با استفاده از نرم افزار spss به تجزیه و تحلیل داده ها در اثبات ابهامات قانون مذکور پرداخته و در پایان بر این نتیجه تاکید گردیده که اولاً ابهامات قانون فوق در اصلاحات بعدی باید مورد توجه قانونگذار قرار بگیرد ثانیاً اصل تناسب جرم و مجازات نیز همواره رعایت گردد. علی رغم ایرادات جدی روش شناختی که به مقاله فوق وارد است به نظر میرسد نه تنها هیچ نوآوری و ابتکاری در آن بکار نرفته بلکه به موضوع موارد سوء استفاده و قانون گریزی مجرمین از این قانون و نیز نواقص گزارشات ضابطین و تاثیر آن بر اقتدار پلیس نیز پرداخته نشده است.

۶. پیشینه خارجی:

Guha, Brishti (۲۰۱۵):

نویسنده^۱ در این تحقیق، به رابطه میان اقدامات پلیس، سطح اقدامات امنیتی افراد نظیر استفاده از محافظ شخصی، سلاح و نصب دوربین با کاهش خطرپذیری مجرمان، کاهش جرائم و ورودی پرونده ها پرداخته است. محقق ضمن درج آثار و نتایج حاصل از تحقیقات مشابه در نوشته خود، از روشی ریاضی و به کمک مبحث توابع، سعی در اثبات پاره ای از گزاره ها داشته و در پایان به این نتیجه میرسد که افراد در واکنش به افزایش

^۱ Guha, Brishti , "Inferiority" complex? Policing, private precautions and crime, Springer - Eur J Law Econ (۲۰۱۵) ۳۹:۹۷-۱۰۶ DOI ۱۰.۱۰۰۷/s۱۰۶۵۷۰۰۱۳-۹۴۰۸-x :

کنترل پلیس، اقدامات امنیتی شخصی شان را چنان شدید کاهش می دهند که باعث کاهش امنیت موثر می شود. وقتی که امنیت موثر چنان اندک است که مجرمان احتمال موفقیت بالایی دارند کنترل پلیس، در کاهش جرایم، موفق و نتیجه بخش می باشد. تأثیر کلی پلیس بر نرخ جرایم ضرورتاً کارایی پلیس واقعی را در مبارزه با جرایم نشان نمی دهد. البته اثر غیر مستقیمی نیز وجود دارد که از طریق تعامل بین کنترل و پلیس و اقدامات امنیتی شخصی عمل می کند. این تحقیق در حقوق تطبیقی به مقوله عملکرد پلیس اشاره ای داشته اما به موارد سوء استفاده و قانون گریزی مجرمین از این قانون و نیز نواقص گزارشات ضابطین و تاثیر آن بر اقتدار پلیس نپرداخته است. در بعد داخلی؛ میتوان منابعی را یافت که صرفاً به تحلیل و ارزیابی مواد قانون جدید التصویب پرداخته و نه تنها به موضوع موارد سوء استفاده و قانون گریزی مجرمین از این قانون و نیز نواقص گزارشات ضابطین و تاثیر آن بر اقتدار پلیس اشاره ای ننموده اند بلکه بصورت کاملاً نظری و با روش صرفاً کتابخانه ای تدوین گردیده و از روش تحقیق میدانی نظیر مصاحبه نیز بهره ای نبرده اند. از آنجاکه این تحقیق به روش میدانی و از طریق مصاحبه با قضات، وکلا، اساتید دانشگاه و خبرگان انتظامی انجام گردیده است کاملاً بدیع و فاقد هرگونه سابقه پژوهشی مشابه در منابعی نظیر سامانه رسمی ایرانداک، سامانه گنج، ویراساینس، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، سامانه یکپارچه نشریات علمی ناجا، نورمگز و سیویلیکا میباشد. در بعد خارجی نیز با توجه به اختلافات نظام های حقوقی (نظیر نظام کامن لا و رومی ژرمنی) در مفاهیم حقوق کیفری، جرائم، اختیارات نهادهای قضایی، پلیس و قضات، تحقیقات با موضوع مشابه در منابعی نظیر science direct یافت نگردید؛ امری که کاملاً طبیعی جلوه مینماید.

مبانی نظری

ابتدا ضروری است با مفهوم ضابط و پلیس آشنا شده و سپس به بیان عوامل موثر بر اقتدارگرایی او بپردازیم:

مفهوم ضابطین (پلیس)

فصل دوم از قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به ضابطان دادگستری و تکالیف آنان اختصاص یافته است. طبق ماده ۲۸ قانون مذکور: « ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علایم و جمع آوری ادله

وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می‌کنند. «

ضابطین به نوعی بازوان اجرائی قوه قضائیه محسوب شده و در فرآیند عملیاتی پیشگیری، کشف جرم و مجازات مجرمین نقشی فعال دارند. بکارگیری ضابطین تابع مقررات خاص خود میباشد یعنی ایشان باید تحت آموزش های متنوع و مستمر حین خدمت قرار گرفته و دارای کارت ویژه ضابطان دادگستری باشند. ماده ۳۰ در این زمینه مقرر میدارد:

«احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است.

تبصره ۱ - دادستان مکلف است به‌طور مستمر دوره‌های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت‌های لازم و ایفاء وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار نماید.» موضوع ضابطین و آموزش ایشان بقدری دارای اهمیت است که تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد کارت ضابطین، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است همچنین تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان با وظایف و اختیارات خاص نیز اهمیت آشنایی با وظایف خاص هر حوزه از ضابطین را بیان میدارد.^۱ از طرف دیگر، «ارجاع امر از سوی مقام قضایی به مأموران یا مقاماتی که حسب قانون، ضابط تلقی نمی‌شوند، موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.»^۲ ضابطین زیر نظر دادستان به انجام وظایف خود می‌پردازند و دادستان وظیفه ریاست و نظارت بر ایشان را برعهده داشته و موظف است حداقل هر دو

^۱ ماده ۳۱: «به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود. وظایف و حدود اختیارات آن به موجب لایحه‌ای است که توسط رییس قوه قضائیه تهیه می‌شود.»

^۲ تبصره ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری

ماه یکبار واحدهای ضابطین را مورد بازرسی قرار داده و دستورات لازم را صادر کند.^۱ ضابطین بطور کلی به دو دسته تقسیم میشوند:

«الف - ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند.

ب (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) - ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می‌شوند.»^۲

مطابق با ماده فوق، مامورین پلیس (ناجا)، ضابط عام تلقی شده و تحت نظر دادستان به انجام وظایف محوله می‌پردازند.

وظایف ضابطین:

مطابق قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطین وظایف متعددی را برعهده دارند. نکته قابل توجه این است که «اقدامات ضابطین باید مطابق ترتیبات و قواعدی باشد که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است»^۳ همچنین «گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که بر خلاف اوضاع و احوال و قراین مسلم قضیه نباشد و بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شود.»^۴

^۱ ماده ۳۲: «ریاست و نظارت بر ضابطان دادگستری از حیث وظایفی که به‌عنوان ضابط به‌عهده دارند با دادستان است. سایر مقامات قضایی نیز در اموری که به ضابطان ارجاع می‌دهند، حق نظارت دارند.»

ماده ۳۳: «دادستان به منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان، واحدهای مربوط را حداقل هر دو ماه یکبار مورد بازرسی قرار می‌دهد و در هر مورد، مراتب را در دفتر مخصوصی که به این منظور تهیه می‌شود، قید و دستورهای لازم را صادر می‌کند.»

^۲ ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری

^۳ ماده ۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری

^۴ ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری

وظایف ضابطین را میتوان بصورت ذیل دسته بندی نمود:

۱. ثبت شکایات

۲. آگاه سازی طرفین شکایت نسبت به حقوق خود

۳. جرائم مشهود و غیر مشهود

۴. خودداری از انجام موارد ممنوعه

۵. انجام وظیفه و گزارش به مقامات قضایی

که در ادامه به توضیح موارد فوق میپردازیم:

۱. ثبت شکایات

ضابطین موظفند «شکایت کتبی یا شفاهی را همه وقت قبول نمایند؛ شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضای شاکی می‌رسد، اگر شاکی نتواند امضاء کند یا سواد نداشته باشد، مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت شفاهی با مندرجات صورت مجلس تصدیق می‌شود...»^۱ همچنین ایشان «مکلفند اظهارات شاکی در مورد ضرر و زیان وارده را در گزارش خود به مراجع قضایی ذکر کنند.»^۲ و «پس از دریافت شکایت، به شاکی رسید تحویل دهند و به فوریت پرونده را نزد دادستان ارسال کنند.»^۳

۲. آگاه سازی طرفین شکایت نسبت به حقوق خود

طرفین شکایت مطابق قانون از حقوقی برخوردارند که ضابطین موظفند ایشان را نسبت به آن حقوق آگاه سازند. حقوق شاکی شامل حق درخواست جبران خسارت، بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی می‌باشد.^۴ حقوق متهم شامل تقاضای

۱ ماده ۳۷

۲ ماده ۳۹

۳ ماده ۳۷

۴ ماده ۳۸: «ضابطان دادگستری مکلفند شاکی را از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و

سایر معاضدت‌های حقوقی آگاه سازند.»

حضور وکیل^۱، حق اطلاع به خانواده یا آشنایان خود^۲ و حق ملاقات پزشک^۳ میباشد. همچنین ضابطین «هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند.»^۴

۳. جرائم مشهود و غیر مشهود

جرم در یک تقسیم بندی به مشهود و غیرمشهود تقسیم میشوند. تفاوت در این دو نوع جرم سبب تفاوت در وظایف ضابطین میگردد. ماده ۴۵ در این خصوص مقرر میدارد: «جرم در موارد زیر مشهود است:

الف - در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا مأموران یادشده بلافاصله در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.

ب - بزه دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کنند.

پ - بلافاصله پس از وقوع جرم، علایم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم یافت شود و یا تعلق اسباب و ادله یادشده به متهم محرز گردد.

ت - متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، قصد فرار داشته یا در حال فرار باشد یا بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیر شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱ ماده ۴۸: «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارایه دهد.»

۲ ماده ۵۰: «شخص تحت نظر می تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه بنا بر ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند.»

۳ ماده ۵۱: «بنا به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می آورد. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می شود.»

ث - جرم در منزل یا محل سکناى افراد، اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن، در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکناى خود درخواست کند.

ج - متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، خود را معرفی کند و وقوع آن را خبر دهد.

چ - متهم ولگرد باشد و در آن محل نیز سوء شهرت داشته باشد...»

ضابطان دادگستری در جرایم مشهود، «تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علایم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند. همچنین چنانچه شاهد یا مطلعى در صحنه وقوع جرم حضور داشته باشد؛ اسم، نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان را اخذ و در پرونده درج می‌کنند. ضابطان دادگستری در اجرای این ماده و ذیل ماده (۴۶) این قانون فقط در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت نمایند که قراین و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد.»^۱

همچنین «چنانچه ضابطان دادگستری در هنگام بازرسی محل، ادله، اسباب و آثار جرم دیگری را که تهدیدکننده امنیت و آسایش عمومی جامعه است، مشاهده کنند، ضمن حفظ ادله و تنظیم صورت مجلس، بلافاصله مراتب را به مرجع قضایی صالح گزارش و وفق دستور وی عمل می‌کنند.»^۲ پس از حضور دادستان یا بازپرس در صحنه جرم، «ضابطان دادگستری تحقیقاتی را که انجام داده‌اند به آنان تسلیم می‌کنند و دیگر حق مداخله ندارند، مگر آنکه انجام دستور و مأموریت دیگری از سوی مقام قضایی به آنان ارجاع شود.»^۳

در سایر مواردی که جرم غیر مشهود تلقی میگردد «ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرایم غیرمشهود مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستوره‌ای لازم

۱ ماده ۴۴

۲ ماده ۵۷

۳ ماده ۵۴

به دادستان اعلام می‌کنند و دادستان نیز پس از بررسی لازم، دستور ادامه تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب اتخاذ می‌کند...»^۱

چنانچه وقوع یک جرم مورد تردید باشد ضابطین باید «ضابطان دادگستری باید پیش از اطلاع به دادستان، بدون داشتن حق تفتیش و بازرسی یا احضار و جلب اشخاص، تحقیقات لازم را به عمل آورند و نتیجه آن را به دادستان گزارش دهند. دادستان با توجه به این گزارش، دستور تکمیل تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب را اتخاذ می‌کند.»^۲

۴. خودداری از انجام موارد ممنوعه

ضابطین از انجام پاره ای از امور منع شده و باید از انجام آنها خودداری نمایند؛ افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود، مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده^۳، اخذ تأمین از متهم^۴، ورود تفتیش و بازرسی اماکن اشخاص و اشیاء بدون اجازه مقام قضایی^۵، بکاربردن اجبار اکراه کلمات موهن و طرح سؤالات تلقینی اغفال‌کننده و خارج از موضوع اتهام^۶ و تحمیل هزینه‌های ناشی از انجام وظایف خود به بزه‌دیده^۷ ممنوع می‌باشد.

۵. انجام وظیفه و گزارش به مقامات قضایی

۱ ماده ۴۴

۲ ماده ۴۳

۳ ماده ۴۰

۴ ماده ۴۱: «ضابطان دادگستری اختیار اخذ تأمین از متهم را ندارند و مقامات قضایی نیز نمی‌توانند اخذ تأمین را به آنان محول کنند. در هر صورت هرگاه اخذ تأمین از متهم ضرورت داشته باشد، تنها توسط مقام قضایی طبق مقررات این قانون اقدام می‌شود.»
۵ ماده ۵۵: «ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء درجرائم غیرمشهود با اجازه موردی مقام قضایی است، هرچند وی اجرای تحقیقات را به‌طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد.»
ماده ۵۶: «ضابطان دادگستری مکلفند طبق مجوز صادره عمل نمایند و از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان‌های غیرمرتبط با موضوع خودداری کنند.»

۶ ماده ۶۰: «در بازجویی‌ها اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سؤالات تلقینی یا اغفال‌کننده و سؤالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سؤالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است، معتبر نیست. تاریخ، زمان و طول مدت بازجویی باید در اوراق صورت‌مجلس قید شود و به امضاء یا اثر انگشت متهم برسد.»

۷ ماده ۶۲: «تحمیل هزینه‌های ناشی از انجام وظایف ضابطان نسبت به کشف جرم، حفظ آثار و علایم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی و یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، دستگیری وی، حمایت از بزه‌دیده و خانواده او در برابر تهدیدات، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی تحت هر عنوان بر بزه‌دیده ممنوع است.»

همانگونه که پیش تر اشاره شد ضابطین تحت نظارت دادستان بوده و باید دستورات مقامات قضایی را در اسرع وقت اعمال و اجرا نمایند.^۱ «دستورهای مقام قضایی به ضابطان دادگستری به صورت کتبی، صریح و با قید مهلت صادر می‌شود. در موارد فوری که صدور دستور کتبی مقدور نیست، دستور به صورت شفاهی صادر می‌شود و ضابط دادگستری باید ضمن انجام دستورها و درج مراتب و اقدامات معموله در صورت‌مجلس، در اسرع وقت و حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت آن را به امضای مقام قضایی برساند و چنانچه اجرای دستور یا تکمیل پرونده میسر نشود، ضابطان باید در پایان مهلت تعیین شده، گزارش آن را با ذکر علت برای دادستان یا مقام قضایی مربوط ارسال کنند.»^۲

پس از اجرای دستورات نیز «ضابطین مکلفند نتیجه اقدامات خود را فوری به دادستان اطلاع دهند. چنانچه دادستان اقدامات انجام شده را کافی نداند، می‌تواند تکمیل آن را بخواهد. در این صورت، ضابطان باید طبق دستور دادستان تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم و تکمیل تحقیقات به عمل آورند، اما نمی‌توانند متهم را تحت نظر نگه دارند. چنانچه در جرایم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به‌طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال، ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند.»^۳

در پایان این بحث باید متذکر گردید که مطابق ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری: «تخلف از مقررات مواد (۳۰)، (۳۴)، (۳۵)، (۳۷)، (۳۸)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۱)، (۴۲)، (۴۹)، (۵۱)، (۵۲)، (۵۳)، (۵۵)، (۵۹) و (۱۴۱) این قانون توسط ضابطان، موجب محکومیت به سه‌ماه تا یک‌سال انفصال از خدمات دولتی است.»

۱ ماده ۳۵: «ضابطان دادگستری مکلفند در اسرع وقت و در مدتی که دادستان یا مقام قضایی مربوط تعیین می‌کند، نسبت به انجام

دستورها و تکمیل پرونده اقدام نمایند.»

۲ ماده ۳۴

۳ ماده ۴۶

روش‌شناسی

این تحقیق با بهره‌گیری از روش میدانی با طراحی سؤالاتی در قالب مصاحبه و مراجعه به جامعه آماری خاص خود به گردآوری داده‌ها پرداخته است. این تحقیق به لحاظ روش، در زمره تحقیقات کیفی طبقه‌بندی می‌گردد فلذا فاقد فرضیه است. در بعد داخلی؛ میتوان مقالاتی را یافت که صرفاً به تحلیل و ارزیابی مواد قانون جدید التصویب پرداخته و نه تنها به موضوع عوامل موثر بر اقتدارگرایی پلیس اشاره‌ای ننموده‌اند بلکه بصورت کاملاً نظری و با روش کتابخانه‌ای تدوین گردیده و از روش میدانی نظیر مصاحبه نیز بهره‌ای نبرده‌اند. با توجه به اینکه این تحقیق به روش میدانی و از طریق انجام مصاحبه با قضات، وکلا، اساتید دانشگاه و کارکنان ناجای استان سمنان تدوین گردیده و از آنجا که جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها بصورت کیفی و گستره تحقیق نیز استان سمنان میباشد؛ کاملاً بدیع و فاقد هرگونه سابقه پژوهشی مشابه در منابع معتبر علمی کشور میباشد. در بعد خارجی نیز با توجه به اختلافات نظام‌های حقوقی (نظیر نظام کامن‌لا و رومی ژرمنی) در مفاهیم حقوق کیفری، جرائم، اختیارات نهادهای قضایی، پلیس و قضات، تحقیقات با موضوع مشابه در منابعی نظیر science direct یافت نگردید؛ امری که کاملاً طبیعی جلوه مینماید.

برای حصول اطمینان از روایی پژوهش اقدامات زیر انجام شده است:

- الف. مشورت در خصوص اتخاذ روش مصاحبه جهت گردآوری اطلاعات با نویسنده محترم مسئول و نیز مسئول دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان سمنان
- ب. بازبینی ابتدائی و اصلاح سؤالات مصاحبه توسط نویسنده محترم مسئول و نیز مسئول دفتر تحقیقات کاربردی در راستای اهداف تحقیق (روش ظاهری)
- ج. نظارت و بررسی مرحله به مرحله پیاده‌سازی و کدگذاری مصاحبه‌ها و انطباق آنها با اهداف تحقیق توسط نویسنده محترم مسئول و نیز مسئول دفتر تحقیقات کاربردی (روش محتوایی)

برای حصول اطمینان از پایایی پژوهش اقدامات زیر انجام شده است:

- الف. بهره‌مندی از ظرفیت یک روش شناس علوم اجتماعی و پژوهشگر سابق دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان سمنان

ب. بررسی و ارزیابی مرحله به مرحله و مشاهده شباهت فراوان در مقایسه کدها، پاسخ ها و نتایج حاصله از مصاحبه با مصاحبه شوندهگان

جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه گیری

قلمرو مکانی این تحقیق، استان سمنان و قلمرو زمانی انجام آن سال ۱۴۰۱ می باشد. جامعه آماری این تحقیق، قضات کیفری، وکلا، اساتید دانشگاه و کارکنان ناجای استان سمنان می باشند که با روش گلوله برفی جهت انجام مصاحبه برگزیده شدند. انجام مصاحبه ها با طرح سوالات مربوطه آغاز و در مدت زمان تقریبی ۱۵ الی ۳۰ دقیقه داده ها گردآوری شده و مصاحبه ها خاتمه یافت.

تحلیل مضمون داده ها

پژوهش حاضر به روش کیفی و از طریق مصاحبه هدفمند با جمعی از قضات، وکلا، اساتید دانشگاه و کارکنان ناجای استان سمنان تا رسیدن به مرحله اشباع نظری صورت پذیرفت که در نهایت با تعداد ۱۱ مصاحبه که شامل قضات (۲مورد)، وکلا (۶ مورد)، اساتید دانشگاه (۲ مورد) و کارکنان ناجا (۱ مورد) اشباع نظری حاصل و نمونه گیری پایان یافت. وقت کافی برای پیاده کردن هر مصاحبه صرف و هر مصاحبه پیش از شروع مصاحبه قبلی پیاده سازی شد. مقوله های اصلی حاصل ادغام مقوله های فرعی و مقوله های فرعی از نام گذاری و ترکیب مفاهیم اساسی بدست آمده اند:

استخراج مفاهیم اساسی ← مقوله های فرعی ← مقوله های اصلی

با توجه به کیفی بودن روش انجام این تحقیق، از مصاحبه عمیق جهت گردآوری داده ها استفاده شده و تحلیل دیدگاه پاسخگویان بصورت استقرائی و در چارچوب تحلیل داده بنیاد صورت خواهد پذیرفت. روند تجزیه و تحلیل اطلاعات در این فرآیند با ضبط نمودن صوت مصاحبه شوندهگان آغاز، سپس محتوای مصاحبه ها مکتوب گردیده و پس از چندین بار بازخوانی با استفاده از فنون کدگذاری، کدهای اولیه استخراج سپس این کدها بر اساس شباهت ها طبقه بندی گردیده، زیرمقوله ها مشخص و سپس مقوله ها (مضامین) مورد استخراج قرار گرفت. به کمک این شیوه میتوان درون مایه ها و الگوهای پنهان مورد مطالعه را از درون محتوای داده های حاصل شده از شرکت کنندگان آشکار ساخت. به منظور

اطمینان از قابلیت داده ها، محقق درگیری طولانی مدت با داده ها را حفظ کرده است. موازین اخلاقی مورد توجه در این مطالعه همچون گمنام بودن، محرمانه بودن اطلاعات و اخذ اجازه از جمله مواردی هستند که رعایت گردیده است. در مجموع پس از مصاحبه؛ یعنی از استقرائی ترین شواهد موجود به سمت مفاهیم، قضایا و مقولات انتزاعی تر حرکت کرده ایم. کدگذاری به نحوی سه گانه انجام شده است: در کدگذاری باز به سبک جمله به جمله از متن مصاحبه ها مفاهیمی استخراج و در فرآیند کدگذاری محوری به مقولات تبدیل گردیده، مقولات نیز به مضامین عمده انتزاع یافته و نهایتا در کدگذاری گزینشی هسته مضامین ظهور یافته است.

یافته ها

موارد سوء استفاده مجرمین با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

مقوله های استخراج شده از مصاحبه شوندگان در پاسخ به این سوال که : موارد جدید سوء استفاده و قانون گریزی مجرمین پس از تصویب این قانون که موجب اقتدارزدایی پلیس میشود از دیدگاه شما چیست ؟ بصورت ذیل طبقه بندی گردیده است:

مقوله های اصلی	مقوله های فرعی
	<p>مفاهیم اساسی سوال ۱ گاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی</p> <p>A: اشتباه قانونگذار- ابراز پشیمانی تعدادی از نمایندگان مجلس از تصویب این قانون- مشمول مرور زمان شدن برخی جرائم- معقول و مناسب بودن اعمال تخفیفات اختیاری از جمله حبس الکترونیکی- اشتباه بودن تخفیفات اجباری و تبدیل به جزای نقدی در این قانون - غیرکارشناسی بودن الزام قضات به صدور حکم به حداقل</p>

<p>تصویب قانون جرم زا</p>	<p>عدم بازدارندگی کافی، افزایش جرائم قابل گذشت، لحاظ نکردن جنبه عمومی جرم و فقدان زیرساخت های لازم در تصویب قانون</p>	<p>مجازات B: قابل گذشت شدن برخی جرائم و منوط به شکایت شاکی بودن تعقیب - طولانی تر شدن رسیدگی، تعقیب و تحقیق در برخی جرائم قابل گذشت مثل تصرف عدوانی - افزایش تهدید شکات برای اخذ رضایت C: بازدارنده نبودن تصویب این قانون- افزایش گستره جرائم و نا امنی ها - سیاست تصویب این قانون حبس زدایی نبوده بلکه صرفا کاهش هزینه های زندان بوده است D: ایرادات فراوان این قانون - تصویب این قانون حاصل ورود سیاست به عرصه قانونگذاری است - اصلاح قانون راه رفع مشکلات آن - آزاد شدن سریع مجرمین بواسطه قابل گذشت شدن جرائم - عدم وجود شاکی برای جرم و یا اخذ رضایت به هر شکلی حتی تهدید - پیشگیری از وقوع جرم E: تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری یک شوی تبلیغاتی جهت کاهش جمعیت کیفری زندان ها و مصارف بودجه - لزوم کاهش عناوین مجرمانه نه مجازاتها - جنبه عمومی داشتن برخی جرائم نظیر کلاهبرداری و سخت ترین برخورد ها با مرتکبین آن در کشورهای خارجی F: فراهم نبودن زیرساخت های لازم جهت تصویب بعضی قوانین - لزوم اصلاح قوانین پس از انجام کار تحقیقی بلندمدت - ضروری بودن افزایش</p>
-----------------------------------	---	--

	<p>شدت احکام در جامعه ایران تا کاهش مجازات ها و بازدارنده شدن قوانین - عدم تناسب احکام صادره با فعل مجرمین - اخذ رضایت با ترساندن و تهدید در فرایند رسیدگی به پرونده - تقسیم بندی جرائم قابل گذشت</p> <p>H: سپردن صلاحیت به دست طرفین پرونده - قابل گذشت اعلام نمودن برخی جرائم</p> <p>A: تصویب این قانون با هدف کاهش هزینه ها - لزوم بازدارنده بودن مجازات قانونی - قابل گذشت اعلام شدن تعدادی از جرائم سنگین نظیر خیانت در امانت</p> <p>L: قابل گذشت اعلام شدن بعضی جرائم - کوتاه شدن دست مدعی العموم در تعقیب بعضی جرائم - بی انگیزه شدن شکات نسبت به احقاق حق خود و شکایت</p> <p>K: قابل نقد بودن این قانون از جهات متعدد- مناسب بودن رعایت اصل شخصی بودن مجازات ها در این قانون - لزوم کاهش زندانیان با تشکیل کمیته سه نفره - لغو تخفیفات در فرض تکرار جرم</p> <p>A: بازگشت دوباره مجرمین به جامعه و تکرار کارهای غلط خود- تجری و پر رو شدن مجرمین در ارتکاب جرائم</p> <p>C: رضایت مجرم از ارتکاب جرم و کسب منفعت</p>
--	--

		<p>او از ناچیز بودن مجازات آن</p> <p>D: مناسب بودن وضعیت مجرم در صورت دستگیر شدن یا نشدن - یکسان بودن هویت سارق در غالب جرائم سرقت- مواجه بودن با پدیده تکرار جرم در کنار افزایش جرائم</p> <p>F: فراهم نبودن زیرساخت قضایی و فرهنگی برای پیاده سازی حقوق متهم در کشور ما - متهم محور شدن قانون تا شاکی محور بودن آن</p> <p>G: تجری مجرمین به سبب قابل گذشت اعلام شدن برخی جرائم و عدم وجود شاکی - تجری مجرمین یقه سفید بواسطه قابل گذشت شدن جرم کلاهبرداری و فراهم شدن اسباب تکرار جرم در خصوص ایشان</p> <p>H: وجود اصل حسابگری عقلایی در حقوق کیفری - کاهش هزینه های هزینه های ارتکاب جرم با تصویب قانون جدید - تعدد پرونده ها</p> <p>A: افزایش فوق العاده جرم از جمله آثار منفی این قانون</p> <p>L: بیشتر شدن تجری مجرمین</p> <p>K: تجری مجرمین پس از زندانی شدن و آزاد شدن</p>
--	--	---

نقد و بررسی

در مجموع میتوان موارد سوء استفاده مجرمین را در عنوان کلی "تصویب قانون جرم زا" خلاصه نمود؛ که در ادامه به این عوامل خواهیم پرداخت:

* عدم بازدارندگی کافی قانون

نکته بسیار حائز اهمیت در یافته های علمی و همچنین مصاحبه ها مساله بازدارندگی قانون و بالتبع مجازات هاست؛ از جمله مواردی که در جرم شناسی همواره مورد تاکید بوده است موضوع پیشگیری از جرم است. از دیدگاه رویکرد آینده نگر یکی از طرقی که میتواند از وقوع جرائم در آینده پیشگیری نماید بازدارندگی مجازات ها میباشد. بازدارندگی یعنی افراد یک جامعه بواسطه ترس از اجرای مجازات، به قوانین و مقررات احترام بگذارند؛ در واقع تهدید افراد به پیامدهای ارتکاب جرم نظیر بازداشت، محاکمه، محکومیت و مجازات، خود عاملی پیشگیرانه در ارتکاب جرائم خواهد بود. از طرفی هم مجرمین محاسبه گر بوده و وقتی هزینه های ارتکاب جرم برای ایشان کمتر از منافع حاصله از جرم باشد طبیعتاً مرتکب جرم خواهند شد در نتیجه باید هزینه ارتکاب جرم که همانا برخورد قاطع و مجازات مجرم است را افزایش داد؛ (الهام و برهانی، ۱۴۰۰: ۲۰-۲۳، دوم) موضوعی که در قانون جدید مورد غفلت قرار گرفته است. ماده ۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مقرر میدارد: «چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند. عدم رعایت مفاد این تبصره موجب مجازات انتظامی درجه چهار می باشد.» این ماده مصداق بارزی از عدم بازدارندگی این قانون میباشد چه بسا مجرمی مستحق اشد مجازات باشد و حکم الزام به تعیین حداقل حبس مورد سوء استفاده او واقع گردد.

نکته دیگری که همواره چه در تصویب یک قانون و چه در صدور احکام توسط قضات باید مد نظر قرار بگیرد بحث تناسب جرائم و مجازات هاست؛ شدت مجازات مجرمی که اولین بار مرتکب یک جرم شده است در مقایسه با یک مجرم سابقه دار هرگز نباید یکسان باشد. رفتار مجرم و شدت مجازاتی که برای او در نظر گرفته میشود میتواند به خوبی نمایانگر بازدارندگی و یا عدم بازدارندگی یک قانون باشد. ماده ۱۴ قانون کاهش مجازات

حبس تعزیری بیان میدارد: «در تکرار جرائم تعزیری، در صورت وجود جهات تخفیف مطابق مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون اقدام می شود.» در قانونی که در فرض تکرار جرم اعمال کیفیات مخففه را پیش بینی کرده است نه تنها اصل تناسب جرم و مجازات مد نظر قرار نگرفته است بلکه بازدارندگی کافی نیز نخواهد داشت و مجرمین با الهام گرفتن از این مقررده فایده ارتکاب جرم را بیشتر از هزینه های آن خواهند دید. همانگونه که مشارکت کننده A بیان داشته اند: «تنصیف مجازات برخی جرائم سبب تبدیل آنها به درجه هشت (حبس کمتر از سه ماه) و در نتیجه الزام قاضی به صدور حکم به جایگزین حبس گردیده و به این ترتیب راه برای سوء استفاده مجرمین کاملاً باز شده است.»

همچنین مصاحبه شونده F متذکر نکته ارزشمندی گردیده اند که «عدم بازدارندگی یک قانون بر عملکرد مجریان آن قانون نیز اثرگذار است مثلاً ضابطین نیروی انتظامی در موارد متعددی با صرف وقت زیاد، هزینه های گزاف و کار اطلاعاتی، متهم را به دشواری دستگیر و تحویل مقامات قضایی میدهند اما متهم با صدور یک قرار قانونی بلافاصله آزاد میشود که این موضوع بی شک در انگیزه ضابطین برای مقابله با جرائم تاثیرگذار خواهد بود.»

*** افزایش جرائم قابل گذشت و لحاظ نکردن جنبه عمومی جرم**

طبق ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری، «جرم که دارای جنبه الهی است میتواند دو حیثیت داشته باشد:

الف- حیثیت عمومی از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی

ب- حیثیت خصوصی از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین»

و طبق ماده ۱۰ قانون فوق، ارتکاب جرم میتواند موجب طرح دو دعوای عمومی و خصوصی گردد.

قانونگذار کیفری ایران به مانند بسیاری از کشورها برای جرائم از حیث برهم زدن نظم و امنیت جامعه، جنبه عمومی در نظر گرفته است اما با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در سال ۹۹ این جنبه عمومی ارتکاب جرم تا حدی نادیده گرفته شد. قانونگذار در ماده ۱۱ دامنه جرائم قابل گذشت را افزایش داده و برخی جرائم مالی را نیز با تعیین نصاب

مشخصی قابل گذشت اعلام نمود. طبق ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری: «تعقیب متهم در جرائم قابل گذشت، فقط با شکایت شاکی شروع و در صورت گذشت او موقوف میشود.»

قانونگذار با این اقدام نسنجیده خود دامنه جرائم قابل گذشت را افزایش داد تا به حیثیت خصوصی این جرائم بیشتر از حیثیت عمومی آن و لطمه ای که به نظم جامعه و امنیت شهروندان وارد میسازد توجه کرده باشد. مشارکت کننده J بیان نمودند که: «قابل گذشت شدن سبب گردید تا نظم و انضباط در جامعه کم شده و دست مدعی العموم (دادستان) در این موضوع کوتاه شود.» ارتکاب یک جرم سبب سلب امنیت شهروندان و ایجاد حس ناامنی و رعب و وحشت در ایشان میگردد و شایسته بود تا قانونگذار این موضوع را به مانند قوانین قبلی مورد توجه بیشتری قرار میداد. از دیدگاه سیاست جنایی و جرم شناسی این اقدام سبب سوء استفاده مجرمین و افزایش جرائم گردیده است؛ در بیان مشارکت کننده D به خوبی به معایب این تصمیم اشاره شده است: «اگر سارق وثیقه ای با ارزشی بیشتر از مال ربوده شده ارائه دهد فوراً آزاد میشود. ممکن است اصلاً شاکی برای جرم وجود نداشته باشد تا مجرم مورد پیگرد قرار گیرد و یا به مانند اشاره مصاحبه شونده F با تهدید شاکی و یا به هر شکل ممکن رضایت او را اخذ کنند؛» و نیز مصاحبه شونده F بیان داشته اند: «اگر شما به پلیس آگاهی مراجعه کنید با خانواده هایی مواجه میشوید که خانه شان مورد سرقت واقع شده و از جرم سرقت متضرر شده اند اما غالباً به جهت ترس از متهم و تهدید او در فرایند رسیدگی به پرونده خودشان رضایت می دهند و می گویند مالمان را هم نمیخواهیم...» که این موضوع سبب صدور قرار موقوفی تعقیب میگردد. از جمله راهکارهای حل این چالش، در نظر گرفتن جنبه عمومی برای جرائم و صدور کیفرخواست برای مجرمین با این استدلال که امنیت و آسایش عمومی جامعه را خدشه دار نموده اند حتی در صورت رضایت شاکی خصوصی میباشد؛^۱ موضوعی که هم در

۱ « حتی اگر بزه دیده گذشت نماید حاکم اسلامی میتواند از باب قاعده (التعزیر لکل عمل حرام) و تحت عنوان (تعزیر بدل از کیفرهای منصوص شرعی مقدر و معین ساقط شده) مجرم را به مجازات های تعزیری محکوم نماید که نمونه آن در مواد ۳۷۶ ق.م.ا و ۶۱۲ قانون تعزیرات ۷۵ قابل مشاهده است... » محمد، مصدق، ۱۴۰۰، شرح قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، چاپ سوم، تهران، جنگل، صص ۱۰۵-۱۰۶

قوانین ایران نظیر مواد ۶۱۲، ۶۱۳ و ۶۱۴^۱ فصل هفدهم قانون تعزیرات و هم در قوانین کیفری سایر کشورها مسبوق به سابقه است.

نکته دیگر پیرامون قانون جدید، همانگونه که مصاحبه شونده H به آن اشاره نموده اند: «سپردن صلاحیت به دست طرفین پرونده میباشد مثلاً موتوری به سرقت رفته و شاکی ارزش آن را ۲۵ میلیون تومان ذکر میکند تا جرم غیر قابل گذشت شده و شدت بیشتری پیدا کند درحالیکه متهم ارزش آن را مثلاً ۱۸ میلیون تومان ادعا میکند تا جرم قابل گذشت گردد. در رابطه با جرم تخریب نیز که اگر ارزش مال کمتر از ۱۰ میلیون تومان باشد مستقیماً در صلاحیت دادگاه قرار میگیرد، همین نزاع وجود دارد.»

همچنین «شکات به دلیل پروسه طولانی شکایت و صدور حکم و نیز آزادشدن سریع مجرمین از سوی دیگر نسبت به احقاق حق خود و شکایت بی انگیزه شده اند.»^۲

* فقدان زیرساخت های لازم در تصویب قانون

دستیابی به یک نتیجه بدون فراهم بودن زیرساخت و امکانات لازم برای آن، رویایی بیش نخواهد بود. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ یک قانون مترقی و مدرن و دربردارنده قواعد و مقررات آیینی جامعی بوده و تحولی در نظام قانونگذاری ایران به شمار میرود اما پیش بینی یکسری مقررات بدون فراهم بودن بسترهای اجرای آن همچنین عدم

^۱ ماده ۶۱۲ - هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می نماید.

تبصره - در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنجسال خواهد بود.
ماده ۶۱۳ - هرگاه کسی شروع به قتل عمد نماید ولی نتیجه منظور بدون اراده وی محقق نگردد به شش ماه تا سه سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد.

ماده ۶۱۴ - هر کس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به حبس درجه شش محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می شود.

تبصره - در صورتی که جرح وارده منتهی به ضایعات فوق نشود و آلت جرح اسلحه یا چاقو و امثال آن باشد مرتکب به سه ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد.

^۲ مشارکت کننده ل

اجرای آزمایشی آنها جهت سنجش بازخوردها و پیامدهای آن از چالش های قانون فوق الذکر بوده است؛ متهم محور شدن این قانون و پیش بینی حقوق گسترده برای متهمین نظیر حق دسترسی به وکیل (ماده ۵)، بهره مندی از حقوق شهروندی (ماده ۶)، حق اطلاع به خانواده (ماده ۵۰) تا اندازه زیادی در سوء استفاده مجرمین تاثیرگذار بوده است مشارکت کننده F با ذکر مثالی به این موضوع اشاره داشته اند: «مثلا حق اطلاع به خانواده؛ در ظاهر حق خوبی است اما در مواقعی پس از دستگیری و با اطلاع متهم به خانواده خود که «دستگیر شده ام» احتمال انتقال اموال مسروقه توسط خانواده مجرم وجود دارد. طبق قانون قدیم وکیل در مراحل دفاعی و زمانی که پرونده در دادگاه بود می توانست برای دفاع حضور پیدا کند اما در قانون جدید به وکیل اجازه داده شده بلافاصله پس از بازداشت با متهم ملاقات کند و ملاحظات خود را روی پرونده بگذارد که ملاقات در این مرحله میتواند موانع زیادی در کشف حقیقت ایجاد نماید. از طرفی برای سلب این حقوق از متهمین نیز مجازات انتظامی پیش بینی شده است و متهم محور شدن این قانون را بیش از پیش نمایان میسازد.» همچنین مقرر نمودن لزوم کسب اجازه از مقامات قضایی برای هرگونه اقدام از سوی ضابطین (بخش ضابطان دادگستری و تکالیف آنها در قانون آیین دادرسی کیفری) در مواقع متعددی سبب فوت وقت، از دست رفتن ادله و حتی اختفاء و فرار متهم میگردد درحالیکه اعطای اختیارات تام در حدود وظایف ضابطین میتواند در کاهش جرائم و سوء استفاده مجرمین نقش تاثیرگذاری داشته باشد.^۱

* ارتکاب مجدد و افزایش جرائم

همانگونه که در کلام مصاحبه شوندگان اشاره شد وقتی مجرمین با برخوردی قاطع روبرو نشوند، مورد ترحم و تخفیف قانونگذار واقع گردند و قانون بازدارندگی کافی نداشته باشد طبیعتا رغبت بیشتری به ارتکاب جرم پیدا میکنند. مجرم ترسی از مجازات ندارد و می گوید «کردم که کردم!» او سودش را برده است و اکنون راضی به پرداخت مبلغ اندکی جزای نقدی و یا مجازات های جایگزین حبس است. از طرف دیگر قضات نیز در اکثر پرونده ها بدلائل متعدد نظیر جوانی، کم سن و سال بودن مجرم و ... کیفیات مخففه را اعمال کرده و در وهله اول تمام رسیدگی ها نیز مجرم را به اخذ رضایت از شاکی ترغیب میکنند. سارقی که به فکر سرقت میفتمد معتقد است که اگر دستگیر شود با اخذ رضایت شاکی و رد

مال آزاد میشود و اگر هم دستگیر نشود با وضعیت بهتری مواجه خواهد شد که هر دو مورد به نفع اوست. اگر پس از کشف جرم توسط مراجع انتظامی نیز شاکی وجود نداشته باشد عملاً امکان تعقیب و تحقیق از متهم نیز وجود ندارد. از طرفی کاهش مجازات حبس جرمی مثل کلاهبرداری که در قوانین قبلی^۱ مورد تشدید مجازات واقع گردیده بودند و قابل گذشت اعلام نمودن آن در صورتی که زیر ۱۰۰ میلیون تومان باشد با در نظر گرفتن این نکته که کلاهبرداران چه در زمینه کلاهبرداری چه در زمینه اخذ رضایت از ذهن و نبوغ خاصی برخوردارند اسباب تجری مجرمین یقه سفید را فراهم آورده است. در حقوق کیفری اصلی تحت عنوان حسابگری عقلایی وجود دارد بدین معنا که مجرمین پیش از ارتکاب یک جرم هزینه ها و فواید ارتکاب آن را سنجیده و چنانچه ارتکاب جرم به صرفه، عقلایی و دربردارنده منفعتی برای ایشان باشد مرتکب آن میشوند و متأسفانه تصویب قانون جدید هزینه های ارتکاب جرم را برای مجرمین کاهش داده و سبب شده است یک سارق سابقه دار مجدداً مرتکب جرم شود که علاوه بر افزایش جرائم ما با پدیده تکرار جرم نیز مواجه هستیم مگر اینکه از شهری به شهر دیگر مهاجرت نماید. «اگر تعداد زندانیان را نه با تصویب امثال این قانون که آنها را متجری تر کرده است بلکه با تشکیل کمیته ای چند نفره متکشل از قاضی، روانشناس و روانکاو که احوالات زندانیان را بررسی و میزان تنبه ایشان را ارزیابی و راستی آزمایی میکند کاهش دهند»^۲ با تنبه و پشیمانی واقعی مجرمین از کرده خویش طبیعتاً شاهد کاهش جرائم خواهیم بود. برخورد قاطع با تکرار جرم نیز از اهمیت بالایی برخوردار است؛ اگر مجرمی پس از ارتکاب جرم و تحمل مجازات دوباره دست به ارتکاب آن بزند لایق مجازات شدیدتری میباشد نه دریافت تخفیفات بی ضابطه. فلذا مصاحبه شونده K پیشنهاد گنجاندن این تبصره که «تخفیفات این قانون شامل تکرار جرم نمیشود» را داشته اند.

نواقص گزارشات ضابطین

مفاهیم و مقوله های استخراج شده از مصاحبه شوندهگان در پاسخ به این سوال که: **مهم ترین نواقص و معایب گزارشات ضابطین بخصوص پس از تصویب قانون کاهش حبس تعزیری**

۱ منظور قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است.

۲ مشارکت کننده K

چيست تا با رفع آن بتوان به افزايش اقتدار پلیس در برخورد قاطع تر با مجرمين کمک نمود؟
 بصورت ذیل طبقه بندی گردیده است:

مقوله های اصلی	مقوله های فرعی	مفاهيم اساسی سوال ۳
	خارج از چارچوب حدود و اختیارات عمل کردن	<p>A: قابل انتقاد بودن بعضی رفتارهای پلیس از جمله برخورد با فرد بازداشت شده و عدم رعایت حقوق و تکالیف او</p> <p>B: ضرورت تهیه گزارشات درچارچوب قانون و بدون اکراه و شکنجه</p> <p>C: انجام بازجویی علمی بدون ارعاب، وحشت و شکنجه به منظور کشف حقیقت - تلقین اظهارات - خارج از حیطه اختیارات عمل کردن ضابطین - عدم وقوف ضابطین به حدود وظایف و اختیارات خود - لزوم برگزاری جلسات آموزشی بصورت مستمر برای ضابطین توسط دادستان</p> <p>A: عدم تفهیم دقیق و درست برخی از حقوق متهم مثل حق داشتن وکیل یا حق سکوت به وی</p>
		<p>A: مختصر بودن گزارش ضابطین و سوالات آن و کمک به مجرم در فرار از مجازات - وقت بیشتری گذاشتن و پرسش سوالات پیچیده تر و گیج کننده تر از مجرم جهت کشف حقیقت</p> <p>B: عدم پرسش سوالات روتین و همیشگی - گسترده و همه جانبه بودن سوالات و عدم پرسش سوالات مختصر - متفاوت بودن سوالات متناسب با جرائم مختلف</p> <p>D: طولانی شدن پروسه ثبت شکایت</p>

<p>۱. آگاه سازی ضابطین نسبت به وظایف خویش</p> <p>۲. اصلاح فرآیند تحقیق و بازجویی</p> <p>۳. اصلاح سیاست جنایی</p> <p>۴. تحقق پلیس علمی و تداوم آموزش</p> <p>۵. برخورد با تخلفات و فسادها</p>	<p>عدم تنوع سوالات بازجویی، عدم ذکر دقیق وقایع در گزارشات و فقدان امضا</p>	<p>G: اهمیت به سزای نحوه نگارش، جامع و کامل بودن، دقت در قید گردیدن مسائل مهم در جرائم و ارکان جرم و اصول رسیدگی در تحقیقات مقدماتی - عدم ذکر عناوین مورد شکایت توسط شاکی - عدم ذکر جزئیات صحنه در جرائم مشمول ماده ۳۰۲</p> <p>H: عدم بیان جزئیات و کامل نبودن گزارشات - قید تمام جزئیات با دید قضایی- فقدان امضای حاضرین و مطلعینی که وقایع را بیان داشته اند</p> <p>I: تاپیی نبودن گزارشات - کلی بودن سوالات و عدم ورود به جزئیات به هر دلیلی</p> <p>L: اصلاح سوالات فعلی و طرح سوالات روان و نه پیچیده - عدم طرح سوالات دو پهلو، تلفیقی و تلقینی - نوشتن توسط خود متهم، شاکی و حتی شهود و مطلعین و صرفا تایید توسط ضابط</p> <p>K: بد خط بودن ضابطین - تعلیم نحوه نگارش گزارشات</p>
	<p>شیوه نادرست اجرای قانون</p>	<p>C: جایگاه ویژه پلیس بعنوان مجری قانون - مواجهه با نوعی دوگانگی در قانون - اصلاح قوانین و نوع برخورد پلیس - صحیح نبودن روش برخورد پلیس و قانون - انجام یک امر غیرقانونی و خودگردان - به رخ کشیدن اقتدار</p>
		<p>B: درخواست زدن bts به منظور تعیین موقعیت مجرم هنگام وقوع جرم به دستور مقام قضایی در هر مرحله دادرسی</p> <p>D: عدم دخالت ناجا در موضوع پرونده و صدور حکم و صرفا اعلام کردن جرم - لزوم تغییر سیاست جنایی - اختیار قضات و ضرورت اعمال آن - اختیار تام به ضابطین نیروی انتظامی در تحقیق و تحصیل</p>

<p>سیاست جنایی نادرست</p>	<p>ادله و همکاری قضات و دادستان در این موضوع E: لزوم تغییر سیاست جنایی - تصمیم گیرنده بودن قاضی و عدم اقتدار و اختیار پلیس در این خصوص F: ضرورت رفع نقص گزارشات ضابطین توسط مقام قضایی - کاشف حقیقت نبودن دستورات مقامات قضایی - تخصصی شدن قضات و دادرها G: اهمیت تعیین سیاست جنایی صحیح علی الخصوص جرم انگاری توسط قانونگذار - انباشته شدن پرونده ها با محکومین متواری در اجرای احکام کیفری - آسیب به رسیدگی تخصصی به جرم کلاهبرداری به جهت تغییر صلاحیت رسیدگی به دادیاری</p>
<p>عدم رعایت موارد ایمنی و حفاظتی</p>	<p>D: لزوم رعایت موارد حفاظتی و ایمنی مطرح شده از سوی پلیس توسط مردم</p>
<p>عدم بکارگیری روش های نوین علمی، ضابطین</p>	<p>A۴: استفاده از توان نیروهای تخصصی پلیس در انجام بازرجویی ها - استفاده از ظرفیت یک روانشناس در کلانتری ها و بازرجویی ها B: کشف هرچه بهتر یک جرم با قراردادن خود بجای مجرمین - کسب آگاهی بیشتر نسبت به زبان بدن متهمین C: تشکیل پلیس تخصصی - انجام بازرجویی علمی - عدم ریشه یابی مشکل و حل آن - غیر تخصصی عمل کردن E: بکارگیری روش های علمی موثر توسط پلیس - پلیس علمی - هوشمندسازی فرآیند اطلاع پلیس از جرم تا ارسال متهم به دادرها - محل اثر بودن</p>

<p>متخصص و آموزش مستمر</p>	<p>اعتراف مجرم طبق قاعده فقهی اقرار F: آموزش مستمر ضابطین G: عدم وجود آموزش صحیح در نحوه گزارش نویسی توسط مسئولین مربوطه در نیروی انتظامی - ضرورت برگزاری دوره های آموزش گزارش نویسی ا: نصب دوربین فیلمبرداری روی سینه مامورین - مشاوره مناسب دادن K: تخصصی کردن پلیس - بازرسی از صحنه جرم با ابزار لازم و مناسب - مورد وثوق بودن ضابطین، داشتن کارت و آموزش دیدن تعلیمات لازم - دانستن حداقل مطالب لازم در رشته حقوق - ضرورت اجرای حکم جلب تنها توسط ضابط آموزش دیده- نقش مهم دادستان در آموزش ضابطین</p>
<p>تخلفات و فساد</p>	<p>G: عدم تطابق بین شرح ماوقع در تماس تلفنی با قاضی کشیک و گزارش تنظیمی نهایی توسط ضابط - عدم اجرای صحیح دستورات توسط ضابطین در وقت کشیک و عدم انعکاس آن در گزارش ا: ارائه گزارش خلاف واقع توسط مامور - تبانی مامورین کلاتری ها</p>

نقد و بررسی

مهم ترین نواقص و معایب گزارشات ضابطین بخصوص پس از تصویب قانون کاهش حبس تعزیری که با رفع آن میتوان به پلیس در برخورد قاطع تر با مجرمین کمک نمود از قرار ذیل میباشد:

* خارج از چارچوب حدود و اختیارات عمل کردن

پلیس وظایف مشخصی داشته و غالباً نیز مطابق وظایف و در حدود اختیارات به ایفای نقش خود میپردازد اما طرح تعداد اندکی از دعاوی نمایانگر انجام پاره ای از رفتارهای قابل انتقاد از جانب پلیس است. قانون اساسی به خوبی در اصولی نظیر اصل ۱۳۸^۱ توسل به شکنجه و یا ضرب و شتم را ممنوع کرده و اخذ اقرار تحت شکنجه را غیر قابل پذیرش دانسته است. قانون آیین دادرسی کیفری ۹۴ نیز حقوق ویژه ای را برای متهمین پیش بینی کرده است که علیرغم انتقادات فراوان وارده به آن باید مورد توجه ضابطین قرار گیرد. تمامی تلاشها باید صورت پذیرد تا از وقوع هرگونه برخورد ناشایست، ارباب و یا شکنجه توسط ضابطین خودداری گردد تا بهانه ها از دست متهمین گرفته شود. از طرفی اگر گزارشات ضابطین در چارچوب قانون و بدون اکراه و شکنجه بدست آمده باشد و روند کشف جرم را برای مقام قضایی آسان تر بنماید میتواند مورد استناد قرار گیرد. ماده ۲۰۴ آیین دادرسی کیفری بیان میدارد که اگر گزارش پلیس خلاف واقع نباشد و با اوضاع احوال قضیه منطبق باشد مورد پذیرش خواهد بود. برگزاری جلسات آموزشی توسط دادستان مطابق ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری^۲، یادآوری وظایف ضابطین و تذکر موارد غیرقانونی و غیرمتعارف به ایشان نقشی بسیار کلیدی در کاهش خطاها و رفتارهای خارج از حدود ضابطین خواهد داشت.

* عدم تنوع سوالات بازجویی، عدم ذکر دقیق وقایع در گزارشات و فقدان امضا

ضابطین در فرآیند ثبت شکایت، جمع آوری ادله و کشف حقیقت اقدام به پرسش سوالات از قبل آماده شده می نمایند. نوع و حتی تعداد سوالات میتواند به پلیس در کشف حقیقت کمک نماید. از آنجاییکه مجرمین از قوانین اطلاع کافی دارند، فرآیند تحقیق و بازجویی نیز مورد سوء استفاده آنها قرار میگیرد؛ ایشان با استراتژی خاصی به ارتکاب جرم

۱ «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات میشود.»

۲ «ماده ۳۰: احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است.»

تبصره ۱ - دادستان مکلف است به‌طور مستمر دوره‌های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت‌های لازم و ایفاء وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار نماید.»

میپردازند فلذا گزارش ضابطین و سوالات آنان نباید مختصر و روتین باشد و به مجرم در فرار از مجازات کمک نماید. گفته میشود: «دروغگو، کم حافظه است» و میتوان سوال اول و سوال آخر را به گونه ای پرسید که با اختلاف کلمات، مجرم به اشتباه بیفتد و حقیقت را لو بدهد. پرسش یکسری سوالات واضح و بدیهی مثلا اینکه قتل با چه چیزی رخ داده است؟ که جواب آنها از قبل مشخص است کمک چندانی نخواهد کرد و نتیجه آن وضع کنونی خواهد شد.^۱ در نتیجه اگر پلیس وقت بیشتری بگذارد و سوالات پیچیده تر، مفهومی تر و گیج کننده تری بصورت گسترده، همه جانبه و متناسب با جرائم مختلف از مجرمین بپرسد به کشف حقیقت کمک شایانی خواهد کرد. از طرف دیگر، با توجه به اینکه ضابط اولین کسی است که در صحنه جرم حاضر میشود نحوه نگارش گزارش، جامع و کامل بودن آن، دقت در قید گردیدن مسائل مهم در جرائم و ارکان جرم و اصول رسیدگی در تحقیقات مقدماتی از اهمیت بسزایی برخوردار است. هر گونه نقص در گزارش از این حیث موجبات خلل در تحقیقات مقدماتی در مراحل بعدی از تحقیق، صدور رای و اجرای آن را فراهم می آورد.^۲ عدم ذکر عناوین مورد شکایت توسط شاکی و مهم تر از آن عدم ذکر جزئیات صحنه جرم بخصوص در جرائم مشمول ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، از مصادیق نقص گزارش ضابطین تلقی شده که باید اصلاح گردد؛ ضابطین تنظیم کننده گزارش باید حتی الامکان درجه دار و پلیس قضایی بوده و با دید قضایی به موضوع نگاه کرده و تمام آنچه اتفاق افتاده را بنویسند درحالیکه در گزارشات فعلی صرفا اظهارات حاضرین، مطلعین و شهود گردآوری شده که هم قابل صدق و کذب است و هم گاها جانبدارانه بیان میشود و نمیتوان چندان به آنان اعتماد نمود. ذکر جزئیات بی اهمیت نظیر خون آمدن بینی یکی از حاضرین، افتادن دکمه لباس شاکی، شکسته شدن شیشه پنجره و نیز حضور یک ماشین ناشناس و مشکوک در نزدیکی صحنه جرم میتواند در بسیاری از موارد مورد استناد قاضی در پذیرش صحت ادعاهای طرفین پرونده قرار گیرد. ایراد دیگر گزارشات، فقدان امضای حاضرین و مطلعینی است که وقایع را بیان داشته اند؛ اگر حاضرین و مطلعین پس از

۱ مصاحبه شونده B

۲ مصاحبه شونده G

مطالعه اظهارات ثبت شده خود، آن را امضا نمایند اعتبار گزارشات افزایش یافته، امکان استناد به آن بیشتر شده و کمتر میتوان ادعای خلاف واقع نمودن آن را مطرح نمود.^۱

همانگونه که مشارکت کننده I بیان داشته اند: « اخیرا تاییدی شدن گزارشات و ارسال برای قاضی است که خیلی بهتر است...» تاییدی شدن گزارشات ضابطین مشکل بدخط بودن آنها را برطرف میسازد.

مشارکت کننده J نیز به نکته خوبی اشاره داشته اند که: « نوشتن توسط خود متهم، شاکی و حتی شهود و مطلعین صورت پذیرد و ضابط فقط تایید نماید که این گزارش در حضور او و توسط شخص متهم، شاکی یا شهود و مطلعین نوشته شده است. در غیر این صورت حقیقت یابی صورت نمیپذیرد...»

*** سیاست جنایی و شیوه نادرست اجرای قانون**

سیاست جنایی به ساماندهی شیوه های پاسخ به پدیده مجرمانه گفته میشود که بصورت تقنینی، قضایی و مشارکتی دسته بندی میشود. موارد لازم در خصوص سیاست جنایی تقنینی، اصلاح قوانین و بازدارندگی آنها بیان گردید اما بخش عمده ای از سیاست های جنایی قضایی در ارتباط مستقیم با افزایش اقتدار پلیس قرار دارند؛ اگرچه ناجا صرفا اعلام کننده جرم است بدین معنی که مواردی نظیر کارشناسی، معاینه محل و ... را انجام داده و پرونده را تکمیل نموده و در اختیار قاضی قرار میدهد و نواقص را نیز بدستور او تکمیل مینماید و دخالتی در موضوع پرونده و صدور حکم نمیتواند داشته باشد که در برخی آراء صادره نیز این موضوع مورد اشاره قرار گرفته است مثلا پلیس فرد متظاهر به حرام و یا اراذل و اوباش را تحت عنوان گشت ارشاد بازداشت و به مقام قضایی تحویل داده ولی قاضی در این خصوص تصمیم گیرنده است و پلیس اقتدار و اختیاری ندارد. با این وجود واقعا بی معنی است که پلیس مجرم را دستگیر کند و قاضی او را به راحتی آزاد نماید!! تاکنون کمتر دیده شده که دست سارقی بعلت سرقتی حدی قطع شود! در همین تهران چندین مرتبه اراذل و اوباشی که رعب و وحشت و ناامنی در جامعه ایجاد کرده اند را دستگیر نموده اما پس از مدتی ایشان را رها کرده و نه تنها مشکلی حل نشد بلکه زیادتیر هم شد درحالیکه اگر نسق یکی از این مجرمین را بکشند بقیه آنها حساب کار خود را

خواهند کرد. چرا قضات حکم به شنود تلفنی نمیدهد تا بتوان سریعاً مجرمیت را احراز کرد؟ چرا قضات حکم بازدید از منزل و یا بررسی خط موبایل مجرم را نمیدهند؟ چرا در برخی از موارد اجازه تحقیق و بازدید مجدد ممکن نمیشود؟ و یا میتوان به دستور مقام قضایی در مرحله دادرسی حتی درخواست زدن bts نمود که موقعیت مجرم هنگام وقوع جرم را مشخص نماید که همگی این موارد دست قضات است و میتوان به راحتی آن را اعمال کرد. اگر سیاست جنایی در موارد اشاره شده اصلاح شود و به ضابطین نیروی انتظامی در تحقیق و تحصیل ادله با همکاری قضات و دادستان در اکثر پرونده ها اختیار تام داده شود شاهد حل مشکلات حوزه کیفی خواهیم بود؛ در پرونده مشهور سرقت از طلافروشی آقای زرگر و قتل ایشان در بازار سمنان چون اختیار تام به پلیس داده شد بلافاصله و در کوتاه ترین زمان ممکن سارقین متواری شده دستگیر شدند. نکته بعدی در نوع برخورد قوه قضائیه و پلیس با مجرمین است؛ گرداندن مجرمین در شهر اگرچه به امر دادستان است اما در واقع یک امر غیرقانونی و خودگردان است و به نوعی به رخ کشیدن اقتدار تلقی میشود درحالیکه همین مجرم فردا به راحتی آزاد شده و مجدداً همان کار را تکرار میکند. مواردی هم هست که نقص گزارشات ضابطین باید توسط خود مقامات قضایی برطرف شود. معمولاً قضات نواقص گزارشات را مشخص و موعدی را تعیین میکنند تا ضابطین نواقص را تکمیل نمایند اما متأسفانه اخیراً بواسطه مشغله فراوان، پرونده های زیاد و عدم تخصص کافی قضات دستوراتی از مقامات قضایی صادر میشود که یا ناقص است یا غالباً ابهام دارد و نمیتوان برداشت مسلمی از دستور قاضی نمود که مثلاً متهم را باید احضار کرد یا جلب نمود و نمیتواند کمکی به کشف حقیقت نماید؛ این موضوع غالباً بخاطر ترس از حقوق شهروندی رخ میدهد چراکه قضات نگران هستند که نکند از آنها در دادرسی انتظامی قضات شکایت شود. از طرفی اگر دادرسیهای تخصصی ایجاد شود و قضات تخصصی شوند، قضات متخصص میدانند که چه دستوراتی بدهند تا منتج به نتیجه لازم گردد و این موارد باید در سیاست جنایی قضایی مورد توجه مقامات قوه قضائیه قرار گیرد.

*** عدم بکارگیری روش های نوین علمی**

در دهه های اخیر زمینه علمی شدن پلیس با تشکیل پلیس های تخصصی نظیر پلیس جعل، فتا و همچنین استفاده از فناوری هایی نظیر اثرانگشت و تشخیص چهره در هویت شناسی مجرمین بیش از پیش فراهم شده است؛ در حدیثی از امیرالمومنین علی ع آمده

است که: «علم سلطان(مایه قدرت) است اگر ملتی به آن دست پیدا کند بر دیگران مسلط میشود و اگر بر آن علم دست نیازند دیگران بر آنها مسلط خواهند شد.»(ابن ابی الحدید، بی تا، ۳۱۹) مصداق این حدیث شریفه هرچه علمی تر شدن پلیس به جهت مقابله بهتر با مجرمین میباشد. مثلاً به گفته مصاحبه شونده E: «در لحظات ابتدایی دستگیری مجرمین که احتمال کشف حقیقت بیشتر است پلیس میتواند یک اتاق مانیتورینگ پیشرفته فراهم نموده و با رعایت حقوق متهم و با حضور بازجو، یک بازجویی درست انجام داده و همه فرآیند بازجویی را ضبط و مستند نماید تا بعداً متهم مدعی نگردد که بازجویی با شکنجه، اجبار، اکراه و سوالات التقاطی بوده است. در نتیجه این روش، خود فرد آزادانه اقرار نموده و فیلم آن نیز موجود است و طبق قاعده فقهی «اقرار العقلاء علی انفسهم جایز» باید اعتراف مجرم محل اثر بوده و با اشد مجازات با او برخورد شود. در واقع پلیس باید روش نوین علمی را در تحصیل ادله بکار گرفته و بهانه ها از دست مجرمین بگیرد که این روش ها خوب هم جواب داده و میدهد. هوشمندسازی مأموریت های پلیسی نیز باید مورد توجه قرار گیرد مثلاً به مانند خودروهای راهنمایی و رانندگی که دوربین دارند و بدون هشدار صوتی به متخلف، تخلفات او را ضبط میکند میتوان ریزتراشه ها و دوربین های کوچکی روی لباس و یا خودروی پلیس نصب نمود تا در لحظه ارتکاب جرم و دستگیری متهم در جرائم مشهود تمام موارد را ثبت و ضبط نماید تا بتوان تحقیقات را هرچه سریعتر به پیش برده، از اطاله دادرسی نیز جلوگیری نموده و نقش پلیس را نیز پر رنگ تر نمود. هوشمندسازی فرآیند اطلاع پلیس از جرم تا ارسال متهم به دادسرا میتواند بسیاری از مشکلات را برطرف نماید از جمله اینکه اولاً پیشگیری از وقوع جرم صورت میپذیرد و مأمورین ناجا میدانند که در فرآیند مانیتورینگ همه چیز ثبت و ضبط میگردد و خیلی رفتارهای خلاف قانون را انجام نمیدهند ثانیاً ضابطین دیگر ترسی ندارند تا در دادسرا و یا حفاظت و بازرسی حاضر شده و ارائه توضیحات کنند چون فیلم آن موجود بوده و ملاحظه میگردد که مطابق دستورالعمل ها برخورد شده است.»

*** فقدان آموزش مستمر و بکارگیری ضابطین متخصص**

در آیین دادرسی کیفری آمده است که گزارش ضابطین نزد مقام قضایی مورد وثوق و اعتبار است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود و این گزارش باید چارچوب خاص خود را داشته باشد ولی متأسفانه فاکتورهای نگارش قضایی(کی، کجا، چگونه و چرا) بطور دقیق در آن

رعایت نمیشود. با تصویب قانون آیین دادرسی ۹۴ که در ماده ۱۳۰ مقرر کرده است ضابطین باید مورد آموزش مستمر قرار بگیرند و کارت ضابط به ایشان اعطا گردد مقامات قضایی در سنوات اولیه برای ضابطین دوره های آموزشی خوبی برگزار میکردند که بصورت پرسش و پاسخ بوده و قاضی نیز مجبور به مطالعه بود اما اخیرا این آموزش ها کم رنگ و به بازدید مختصر از یک کلانتری و پاسگاه محدود شده است. به گفته مصاحبه شونده G: «اگر این آموزش ها توسط مقامات قضایی علی الخصوص دادستان مستمر باشد، آزمون برگزار شده و افرادی که نمره خوبی کسب می کنند را تشویق و کسانی هم که صلاحیت کافی ندارند را از سیکل ضابطین خارج و کارت ایشان را ابطال نمایند، کتابچه وظایف ضابطین را تهیه نموده و در اختیار ایشان قرار داده تا همواره در دسترس و مورد مطالعه قرار بگیرد و نیز برگزاری دوره های ویژه گزارش نویسی که شامل شناسایی جرائم و ارکان آن، ادبیات گزارش نویسی، شناخت و درک ضرورت گزارش نویسی در تحقیقات مقدماتی و حل مسائل پرونده و سایر مسائل ضروری آن است از سوی مسئولین مربوطه در نیروی انتظامی میتواند ابهامات گزارشات ضابطین را به حداقل رسانده و کشف حقیقت را برای قاضی آسان تر نماید.»

مشارکت کننده K نیز ضرورت دانستن کلیات رشته حقوق را برای ضابطین ضروری دانسته اند: «پلیس باید حداقل مطالب لازم در رشته حقوق را بداند و اینکه نسبت به بعضی قوانین اطلاعی ندارد چندان پسندیده نیست درحالیکه اگر بلد باشد بهتر میتواند مردم را راهنمایی کند...»

یکی دیگر از نکات مهم در مدیریت صحیح، توجه به تخصص و ساماندهی افراد متناسب با تخصص ایشان میباشد؛ موضوعی که در ناجا به جهت گستردگی و تنوع جرائم و ضرورت برخورد قاطع تر با آنها بیشتر نمود خارجی دارد. پلیس باید تعدادی از نیروهای آموزش دیده و متخصص را صرفا در فرآیند بازجویی مورد استفاده قرار دهد؛ ضابطینی که در زمینه روانشناسی، شخصیت شناسی و زبان بدن متبحر بوده و بتوانند از حالت نشستن یک متهم

۱ ماده ۳۰: احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن منوط به فراگیری مهارت های لازم با گذراندن دوره های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است.

تبصره ۱ - دادستان مکلف است به طور مستمر دوره های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت های لازم و ایفاء وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار نماید.»

که مثلاً تکیه داده است یا نه و به چشمان ضابط نگاه میکند یا خیر دروغگویی یا صداقت او را کشف نمایند.

همانگونه که مشارکت کننده I پیشنهاد داده اند: «مشاوره مناسب دادن مامورین به بزهدیدگان و راهنمایی ایشان» نیز میتواند یکی از ابعاد بکارگیری ضابطین متخصص تلقی گردد.

*** وجود تخلفات و فسادها**

برخورد با فساد و مفسد از اهمیت بسیار بالایی بخصوص در بدنه پلیس برخوردار است. ضرب المثل معروف: «هرچه بگنند نمکش میزنند، وای به روزی که بگنند نمک» بیانگر اهمیت موضوع برخورد با فساد در مجموعه پلیس است. اگرچه غالب ضابطین انسان های شریف، پاک دست و بدور از روابط ناسالم میباشند اما وجود حتی یک مورد فساد و تخلف نیز شایسته این نهاد انقلابی نیست. مشارکت کننده G یک نمونه از تخلفات را «تنظیم گزارشات خلاف واقع که کمترین تطابق با شرح ماوقع در تماس تلفنی با قاضی کشیک دارد و نیز عدم اجرای صحیح دستورات مقامات قضائی کشیک و انعکاس آنها در گزارش» ذکر نموده اند. مشارکت کننده I نیز: «دوستی، رفاقت با یکی از طرفین یا رشوه» را بعنوان ریشه های صدور گواهی خلاف واقع و عدم ذکر حقایق در گزارشات بیان میکند.

مورد دیگر که ایشان مورد اشاره قرار داده اند: «تبانی مامورین کلانتری ها در شهرها کمتر ولی در بخش ها نظیر شه میرزاد، مهدیشهر و فولادمحله است چون مامور با اهالی آشناست و در قبال اخذ رشوه گزارشات خلاف واقع مینویسد و یا از جلب متهم خودداری مینمایند و یا قبل از تفتیش خودروی حامل مواد مخدر به صاحب آن اطلاع میدهند...» راهکار حل این مشکلات و رفع بخشی از نواقص فرآیند گزارش دهی ضابطین، برخورد و مجازات مامورین متخلف توسط بازرسی و حفاظت نیروی انتظامی است.^۱ حتی معرفی به مراجع قضایی نیز در مواقعی بسیار ضروری است.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق به موارد سوء استفاده مجرمین از قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و نیز نواقص و معایب گزارشات ضابطین پرداخته شد؛ مصاحبه شوندگان ابراز داشتند که عدم بازدارندگی کافی قانون جدید و مجازات های مندرج در آن، افزایش تعداد جرائم قابل گذشت، لحاظ نکردن جنبه عمومی جرم و فقدان زیرساخت های لازم جهت اجرای بعضی قوانین جزایی در کشور و نیز ارتکاب مجدد و افزایش آمار جرائم از جمله موارد سوء استفاده و قانون گریزی مجرمین بوده است که در مقوله اصلی " تصویب قانون جرم زا" خلاصه میشود. عدم بازدارندگی کافی، افزایش جرائم قابل گذشت، لحاظ نکردن جنبه عمومی جرم، فقدان زیرساخت های لازم در تصویب قانون، تخریب بر ارتکاب مجدد و افزایش آمار جرائم از جمله موارد اشتباه قانونگذار در تصویب قانون جرم زا بوده است که در تحقق هدف " مبارزه با منکرات و فساد و پیشگیری از وقوع جرم" تاثیرگذار میباشد و باید سریعاً نسبت به رفع این اشتباهات اقدام نمود.

همچنین خارج از چارچوب حدود و اختیارات عمل کردن، عدم تنوع سوالات بازجویی، عدم ذکر دقیق وقایع در گزارشات و فقدان امضا، شیوه نادرست اجرای قانون، سیاست جنایی نادرست، عدم رعایت موارد ایمنی و حفاظتی، عدم بکارگیری روش های نوین علمی، ضابطین متخصص و آموزش مستمر و نیز وجود تخلفات و فسادها در گزارشات از جمله نواقص و معایب گزارشات و صورت مجالس ضابطین میباشد که آگاه سازی ایشان نسبت به وظایف خویش، اصلاح فرآیند تحقیق و بازجویی، اصلاح سیاست جنایی، تحقق پلیس علمی، تداوم آموزش و برخورد با تخلفات و فسادها میتواند از جمله راهکارهای رفع این نواقص و افزایش اقتدار پلیس باشد. این یافته های مهم نیز در جامه عمل پوشانیدن به اهدافی نظیر "کشف جرایم، بازرسی و تحقیق، حفظ آثار و دلایل جرم، دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفاء آنها، انجام امور مربوط به تشخیص هویت و کشف علمی جرایم" قابل بهره برداری میباشد.

پیشنادهای کاربردی

در بخش پایانی؛ پیشنهادهای کاربردی و عملیاتی جهت افزایش اقتدار پلیس و نیز در جهت رفع نواقص گزارشات ضابطین بصورت ذیل ارائه میگردد:

* درخواست اصلاح سیاست جنایی از اداره حقوقی قوه قضائیه و وزارت دادگستری شامل اصلاح دیدگاه متهم محور در فرآیند تحقیق و بازجویی ها، برخورد تا حد امکان قاطع با مجرمین از سوی قضات، پرهیز از گرداندن ایشان در شهر، صدور حکم به مواردی همچون شنود، ردیابی خط تلفن، بازدید و تحقیق مجدد از محل و مطلعین، زدن BTS برای تعیین موقعیت مجرم، دادن اختیار تام به ضابطین در انجام موارد لازم در برخورد با جرم و مجرمین توسط قضات و تصمیم گیران و نیز تشکیل کمیته ای سه نفره در زندان ها متشکل از یک قاضی، یک روانشناس و یک روانکاو جهت ارزیابی وضعیت تنبه و پشیمانی زندانیان و آزادسازی ایشان در صورت احراز موارد لازم

* برگزاری دوره های آموزشی مستمر برای ضابطین توسط دادستان یا معاونین وی در زمینه آگاه سازی ایشان نسبت به وظایف قانونی خویش و انجام دقیق آنها، حداقل ها و ضروریات رشته حقوق، اجرای درست قوانین کیفری، دادن مشاوره مناسب به بزه‌دیدگان همچنین هشدار به متهمین نسبت به عواقب تکرار جرم خود همچنین برگزاری آزمون جهت اعطای کارت ضابط و ابطال کارت ضابطینی که نمره قبولی را کسب نکرده اند

* تخصصی تر شدن پلیس استان از طریق سازماندهی ضابطین در دایره های جنایی متناسب با تخصص، توانایی ها و آموزش های دیده شده و نیز ایجاد دایره های جنایی متعدد به مانند دایره جعل و کلاهبرداری و یا پلیس فتا بصورت تخصصی متشکل از نیروهای آموزش دیده به منظور حضور در صحنه جرم، تحقیق و تحصیل ادله و انجام پیگیری ها تا صدور کیفرخواست به تفکیک جرائم خاص و مهم

* تحقق هرچه بیشتر پلیس علمی با بکارگیری روش های نوین علمی در طول فرآیند تحقیق و بازجویی، هوشمندسازی ماموریت های پلیسی با فراهم کردن اتاق مانیتورینگ پیشرفته جهت ضبط پروسه تحقیق و بازجویی، نصب دوربین های فعال روی لباس و خودروی پلیس و نیز استفاده از ظرفیت یک روانشناس در کلانتری ها و یا آموزش مطالب لازم روانشناسی به ضابطین جهت کشف راحت تر حقیقت

* نظارت مستمر بر ضابطین و برخورد با تخلفات و فسادهای درون مجموعه پلیس توسط بخش های نظارتی ناجا با رصد همه جانبه عملکرد ضابطین، استماع شکایات مراجعین، راه اندازی سامانه گزارشات مردمی نسبت به عملکرد ضابطین، برخورد قاطع با

ضابطین متخلف و مفسد و نیز تشویق ضابطین درستکار، کاردان و خوش برخورد، ترفیع درجه و افزایش حقوق و مزایای ایشان

* اصلاح شیوه تنظیم گزارشات فعلی از جمله با ایجاد تنوع در سوالات، ذکر عناوین مورد شکایت شاکی، پرکردن گزارشات تحت نظارت ضابطین توسط خود متهمین، شهود و مطلعین، تایپ نمودن گزارشات دست نویس تهیه شده و اخذ امضا از متهمین، شهود و مطلعین، بکارگیری ضابطین درجه دار و نه سرباز در تنظیم گزارشات، ذکر دقیق وقایع و جزئیات با رویکرد قضایی، پرهیز از تنظیم گزارشات خلاف واقع، اجرای صحیح و دقیق دستورات مقامات قضایی و برگزاری دوره های گزارش نویسی شامل ادبیات گزارش نویسی و شناخت و درک ضرورت آن در تحقیقات مقدماتی

* اعطای نقشی فعال تر به ضابطین در برخورد با مجرمین و تکرار جرائم از طریق پیشنهاد مجازات لازم و متناسب با عمل مجرم از دیدگاه خود به قاضی در خلال تنظیم گزارش؛ به دلیل تاثیرگذاری گزارش ضابطین بر صدور احکام و به دلیل اینکه ضابط تعامل بیشتری با مجرم در فرآیند تعقیب و تحقیق از وی دارد و شناخت بیشتری از شخصیت وی حاصل میکند؛ البته این کار مستلزم آموزش جامع به ضابطین در خصوص مباحث حقوق جزای عمومی و اختصاصی خواهد بود اما میتواند نقش پررنگ تری به ضابط در فرآیند برخورد با جرم و مجرم داده، ارزش گزارشات ضابطین را افزایش داده و ترغیب کننده ایشان به تنظیم گزارشات دقیق و مستند به قانون جهت توجیه مجازات پیشنهادی خود باشد. ارائه مشاوره به شکات مبنی بر اظهار مبلغ بیش از حداقل مقرر قانونی در جرائم مالی نظیر کلاهبرداری، سرقت و تخریب به منظور اینکه جرم جنبه عمومی پیدا کند و نیز ترغیب ایشان به طرح دعوی حقوقی جبران ضرر و زیان ناشی از جرم به منظور افزایش هزینه ارتکاب جرم برای مجرمین میتواند از دیگر موارد نقش آفرینی ضابطین در این فرآیند باشد.

همانگونه که بیان گردید در بعد داخلی؛ میتوان منابعی را یافت که صرفا به تفسیر، تحلیل و ارزیابی مواد قانون جدید التصویب پرداخته و نه تنها به موضوع عوامل موثر بر اقتدارگرایی پلیس اشاره ای ننموده اند بلکه بصورت کاملا نظری و با روش صرفا کتابخانه ای تدوین گردیده و از روش تحقیق میدانی نظیر مصاحبه نیز بهره ای نبرده اند. اکنون پس از انجام این تحقیق به روش میدانی و از طریق انجام مصاحبه با قضات کیفری، وکلا، اساتید دانشگاه و کارکنان ناجای استان سمنان و از آنجایی که جمع آوری و تحلیل داده ها بصورت

کیفی و گستره تحقیق نیز استان سمنان بوده است نوآوری و بدیع بودن آن در انتخاب موضوع، جامعه آماری، روش تحقیق، گستره جغرافیایی، یافته ها و پیشنهادهای کاربردی بیش از پیش مبرهن میگردد.

منابع

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹

کتابها:

* ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، جلد ۲۰

* الهام، غلامحسین؛ برهانی، محسن، ۱۴۰۰، درآمدی بر حقوق جزای عمومی (جرم و مجرم)، جلد اول، چاپ ششم، تهران، میزان

* الهام، غلامحسین؛ برهانی، محسن، ۱۴۰۰، درآمدی بر حقوق جزای عمومی (واکنش در برابر جرم)، جلد دوم، چاپ ششم، تهران، میزان

* احمدزاده، رسول؛ تام، مجتبی، ۱۴۰۰، ملاحظاتی درباره قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با دیباچه غلامحسین الهام، چاپ چهارم، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه

* خالقی، علی، ۱۳۹۵، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ سی و سوم، تهران، شهر دانش

* خالقی، علی، ۱۳۹۷، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ سی و هفتم، تهران، شهر دانش

* رسولی زکریا، علی، ۱۳۹۹، شرح قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (تفسیری، انتقادی)، چاپ اول، تهران، دادستان با همکاری کتاب آوا

* عابدی، احمدرضا، ۱۳۹۹، نگرشی کاربردی به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ همراه با نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه، چاپ دوم، قم، طه

* فرهی، بابک، ۱۳۹۹، یادداشت هایی بر قانون کاهش مجازات حبس، چاپ اول، تهران، کولاد

- * کرسول، جان دلیو، ۱۴۰۰، طرح پژوهش رویکردهای کمی، کیفی، ترکیبی، ترجمه علیرضا کیامنش و مریم دانای طوس، چاپ دهم، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبایی
- * مصدق، محمد، ۱۴۰۰، شرح قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، چاپ سوم، تهران، جنگل

مقالات:

- * ابوالحسنی، سلامه؛ بهرامی، محمدحسین، «آسیب شناسی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در خصوص مرجع صالح تحقیق: دادسرا یا دادگاه»، دومین کنفرانس بین المللی فقه، حقوق، روانشناسی و علوم تربیتی در ایران و جهان اسلام

- * ابوالحسنی، سلامه؛ علیپور، حمیدرضا، «مطالعه سامانه های نظارت الکترونیکی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با نگاهی به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹»، دومین کنفرانس بین المللی فقه، حقوق، روانشناسی و علوم تربیتی در ایران و جهان اسلام

- * احسان پور، سیدرضا، ۱۳۸۷، «کنترل الکترونیکی متهمین و مجرمین»، نشریه اصلاح و تربیت، قسمت اول، شماره ۷۹

- * احسان پور، سیدرضا، ۱۳۸۷، «کنترل الکترونیکی متهمین و مجرمین»، نشریه اصلاح و تربیت، قسمت دوم، شماره ۸۰

- * ارشادی فارسانی، حسن، بی تا، سیاست حبس زدایی در قانون مجازات اسلامی ۹۲

- * اسفندیار، ایمان؛ پالیزبان، حمیدرضا، ۱۳۹۹، «تخفیف مجازات در آینه قانون کاهش مجازات حبس تعزیری»، کنفرانس بین المللی فقه، حقوق، روانشناسی و علوم تربیتی در ایران و جهان اسلام

- * افشاری، مرضیه؛ امیری، مهدی، ۱۳۹۹، «مروری بر تعدد مادی و معنوی جرم با رویکرد به قانون مجازات اسلامی (مصوب ۹۲) و قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (مصوب ۹۹) با تکیه بر نظریات اداره حقوقی و رویه های قضایی»، ششمین همایش ملی حقوق "چالشهای مدیریت قضایی و دادرسی در قوه قضائیه"

- * افشین پور، مصطفی؛ نقوی، مهدی، ۱۴۰۰، «سیاست کیفری ناهمگون قانون مجازات اسلامی در تعدیل کیفر»، نشریه مطالعات حقوق معاصر، سال دوازدهم، شماره ۲۳

- * اکبری، جهاندار؛ آشوری، محمد؛ اردبیلی، محمدعلی؛ صفاری، علی، ۱۳۹۹، فلسفه کیفر حبس در نظام تقنینی معاصر ایران، نشریه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۴۵

عوامل موثر بر اقتدارگرایی پلیس با رویکردی انتقادی به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری. ————— ۵۳

* پور محی آبادی، حسین؛ بوستانی، داریوش؛ قماش، سعید؛ ۱۳۹۷، سطره حبس گرای و رویای حبس زدایی در سیاست کیفری ایران (مطالعه موردی حوزه قضایی شهر کرمان)، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال نهم، شماره اول، شماره ۱۷

* جزایری فارسانی، سیدعباس؛ جلیلی پیرانی، محسن، ۱۳۹۹، «نگاه پیشگیرانه به جرائم افتراء و توهین با رویکرد انتقادی به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (۱۳۹۹)»، نشریه مطالعات حقوق، دوره جدید، شماره ۱۳

* جلالی نژاد، احسان، ۱۳۹۹، بررسی معایب و مزایای حبس گرای و حبس زدایی با تاکید بر مجازات های جایگزین حبس، سومین کنفرانس بین المللی فقه، حقوق و تحقیقات دینی

* جمالی، محمد، ۱۴۰۱، بررسی نظریه برچسب زنی در آموزه ها و حقوق اسلامی، نشریه دادرسی، سال ۲۶، شماره ۱۵۱

حبیب وند، نعمت الله؛ سبزواری، عبدالکریم، ۱۳۹۹، «سیاست جنایی ایران در قبال حبس زدایی با تاکید بر قانون کاهش کیفر تعزیری مصوب ۱۳۹۹»، نشریه مطالعات حقوق، شماره ۶

* حسینی، سید محمد؛ متولی زاده نائینی، نفیسه، ۱۳۹۱، نظریه برچسب زنی با نگاه به منابع اسلامی، نشریه مطالعات حقوق خصوصی، سال ۴۲، شماره ۴

* خادمی داراکویه، محسن؛ جلالی، مینا؛ دستغیب، نورالسادات؛ ۱۳۹۹، «نقد و بررسی چالش های ناشی از تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب سال ۱۳۹۹»، نخستین کنفرانس ملی حقوق فقه و فرهنگ

* داچک، هادی، ۱۳۹۹، «مجازات های جایگزین حبس و تاثیر آن بر کاهش جمعیت کیفری زندان»، نشریه پژوهش ملل، شماره ۵۴

* رحمانی فرد، محسن، ۱۳۹۹، «نقدی بر ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری»، نشریه آراء، شماره ۱۹

* روستائی، مهرانگیز؛ رحمانیان، حامد، ۱۴۰۰، «مدنی سازی حقوق کیفری در پرتو قانون کاهش مجازات حبس تعزیری»، نشریه حقوقی دادگستری، شماره ۱۱۳، دوره ۸۵

* سعیدی، علی، ۱۳۹۰، موارد زندان در اسلام، نشریه مطالعات حقوق خصوصی، سال ۴۱، شماره

۲۳

* شجاعی، شهرام؛ بنی نعیمه، عیسی، ۱۳۹۹، «تحلیل و بررسی جرایم قابل گذشت در قانون کاهش مجازات حبس مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ مجلس شورای اسلامی»، کنفرانس بین المللی حقوق، روانشناسی، علوم تربیتی و رفتاری

* شفیع، ریحانه، بررسی مبانی نظری کاهش مجازات حبس و جلوه های آن، پنجمین کنفرانس ملی حقوق علوم اجتماعی و انسانی روانشناسی و مشاوره، شماره

* صالحی مقدم، امیرمهدی؛ بهرامی نژاد مغوییه، علی، ۱۳۹۴، بررسی مفاهیم مشابه با تجری در قانون مجازات اسلامی و رابطه تجری با حالت خطرناک، فصلنامه علمی- پژوهشی فقه و تاریخ تمدن، سال یازدهم، شماره ۴۴

* علیزاده، غزاله؛ علیزاده، ریحانه؛ علیزاده، مهدی، ۱۳۹۷، مبانی مشروعیت کیفر حبس در مکاتب کیفری، نشریه دادرسی، شماره ۱۳۰

* فیروزی نیا، اکبر، ۱۴۰۰، «تحلیل و بررسی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در حقوق موضوعه ایران»، نشریه مطالعات حقوق، شماره ۵۳

* لامی نژاد، امیرجواد؛ امیری، مهدی، «نگرشی بر تخفیف مجازات در پرتو قانون کاهش مجازات حبس تعزیری سال ۹۹»، دومین کنفرانس بین المللی و سومین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی

* محمدنسل، غلامرضا، ۱۳۸۴، نظارت الکترونیک بر بزهکاران، نشریه پژوهش های دانش انتظامی، شماره ۲۴

* مداح پور، الهه، ۱۳۸۶، سیر تحول تاریخی زندان ها، نشریه اصلاح و تربیت، شماره ۷۰

* ملکی، علی، ۱۳۹۹، «کیفرگذاری تعدد جرم با رویکرد قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹»، فصلنامه علمی-حقوقی قانون یار، سال چهارم، شماره ۱۶

* ملکی، علی؛ نجم سهیلی، فاطمه، ۱۳۹۹، «مبانی و کیفرگذاری تکرار جرم با رویکرد قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹»، فصلنامه الکترونیکی پژوهش های حقوقی قانون یار، سال سوم، شماره ۱۲

* منصوری طهرانی، نسیم، «تاثیر قانون کاهش مجازات های تعزیری در خصوص محکومان و کاهش جمعیت کیفری زندان ها»، پنجمین کنفرانس ملی حقوق علوم اجتماعی و انسانی روانشناسی و مشاوره

* منصوری نعلبندان، جواد، ۱۳۹۹، بررسی تحولات مجازات حبس در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، پنجمین کنفرانس ملی حقوق علوم اجتماعی و انسانی روانشناسی و مشاوره، شماره

* میرخلیلی، سید محمود، ۱۳۸۹، «بازپژوهی تجری در آموزه های اسلامی با نگاهی به حالت خطرناک

از منظر جرم شناسی»، حقوق تطبیقی، ۸۲، ج ۶، ش ۲

عوامل موثر بر اقتدارگرایی پلیس با رویکردی انتقادی به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری. ————— ۵۵

* میرزایی یزدی، زهرا؛ موسوی، سید اسماعیل، ۱۳۹۹، «تاثیر قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ بر کیفرزدایی»، فصلنامه علمی-حقوقی قانون یار، دوره چهارم، شماره شانزدهم

* ناظم، علی، ۱۳۹۹، «تبدیل مجازات حبس در تبصره ماده ۳۷ قانون کاهش مجازات تعزیری ۱۳۹۹ (نوعی ارزش گذاری در دادرسی برای امر به معروف)»، نشریه قانون یار، سال چهارم، شماره پانزدهم

* نجفی زاده دهکردی، حسین، «رویکردها و چالشهای قانون کاهش حبس تعزیری»، ششمین کنفرانس ملی علوم انسانی و مطالعات مدیریت

جزوات:

* یکرنگی، محمد، جزوه حقوق جزای عمومی یک، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نیمسال دوم ۹۳-۹۴، بخش مکاتب و جنبش ها

منابع خارجی

* Brishti, Guha, “Inferiority” complex? Policing, private precautions and crime, Springer - Eur J Law Econ (۲۰۱۵) ۲۹:۹۷-۱۰۶ DOI ۱۰.۱۰۰۷/۱۰۶۵۷-۰۱۳-۹۴۰۸-

منابع اینترنتی

* خبرگزاری آخرین خبر، ۱۴۰۱، دو زندان، خالی از زندانی و تعطیل شدند، سایت رسمی خبرگزاری آخرین خبر، بازیابی شده در ۲۹ فروردین ۱۴۰۱
<https://akharinkhabar.ir/social/۹۰۶۷۹۷۸>

* خبرگزاری ایسنا، ۱۴۰۱، درخواست نماینده خمین از کمیسیون قضایی برای اصلاح مصوبه کاهش مجازات حبس تعزیری، سایت رسمی خبرگزاری ایسنا، بازیابی شده در ۲۹ / ۱ / ۱۴۰۱
<https://www.isna.ir/news/۱۴۰۱۰۱۲۱۱۱۵۶۱>

* خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۱، یکی از اولویت‌های سازمان زندان‌ها برای جرایم سبک استفاده حداکثری از پابندهای الکترونیکی است، سایت خبرگزاری تسنیم، بازیابی شده در ۱۴۰۱/۵/۱۸

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/۱۴۰۱/۰۲/۱۸/۲۷۰۶۹۹۱>

* خبرگزاری خبرآنلاین، ۱۴۰۱، افزایش جرایم خرد و کاهش جرایم خشن در کشور، سایت رسمی خبرگزاری خبر آنلاین، بازیابی شده در ۱۸ / ۵ / ۱۴۰۱
<https://www.khabaronline.ir/news/۱۶۳۵۱۷۸>

- * خبرگزاری ساعدنیوز، ۱۴۰۱، هزینه جرم در کشور پایین است، سایت رسمی خبرگزاری ساعدنیوز، بازیابی شده در ۱۴۰۱/۵/۱۸. <https://saednews.com/>
- * خبرگزاری مهر، ۱۴۰۱، سه دستور قاضی القضاة به معاون قضایی درباره اعمال ماده ۴۷۷، سایت رسمی خبرگزاری مهر، بازیابی شده در ۱۴۰۱/۱/۱۷. <https://www.mehrnews.com/news/۵۴۱۳۲۰۹>
- * رایت می، ۱۴۰۱، روایی و پایایی چیست و چگونه تعیین میشود، سایت رسمی رایت می، بازیابی شده در ۱۴۰۱/۶/۵. https://www.writeme.ir
- * سامانه ملی قوانین و مقررات، ۱۴۰۱، سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، بازیابی شده در ۵ شهریور ۱۴۰۱. <http://www.qavanin.ir>
- * سایت دیدبان ایران، ۱۴۰۱، فردی که ضرورت زندانی کردن او وجود ندارد نباید به زندان برود، بازیابی شده در ۱۴۰۱/۵/۱۸. <http://www.didbaniran.ir>
- * شورای نگهبان، ۱۴۰۰، طرح کاهش مجازات حبس تعزیری، سامانه جامع نظرات شورای نگهبان، بازیابی شده در ۲۷ بهمن ۱۴۰۰. <http://nazarat.shora-rc.ir>
- * قوه قضائیه، ۱۴۰۱، سایت رسمی قوه قضائیه، بازیابی شده در ۵ شهریور ۱۴۰۱. <http://www.eadl.ir>
- * مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱، سایت رسمی مجلس شورای اسلامی، بازیابی شده در ۵ شهریور ۱۴۰۱. <http://www.majlis.ir>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان سمنان با عنوان بررسی عوامل موثر بر افزایش اقتدار پلیس در مقابله با جرائم با رویکردی به «قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹» میباشد.

Factors affecting the authoritarianism of the police with a critical approach to the law on reducing the punishment of imprisonment

Authors:

mohammadhosein amin , mohammad mirzaei

Abstract

Background and Aim: Protecting the life and property of citizens, providing security and preventing crimes are the duties of the police. Despite the benefits of the Penal Imprisonment Law of ۲۰۱۹, its shortcomings, which are the basis for the increase of crimes, the deprivation of public comfort, and the escape of criminals, should not be easily passed over; It is inevitable to strengthen the authority of the police in such a way that it can deal with criminal phenomena with measured measures and provide a more comfortable life for citizens; This is achieved by preventing the criminals from abusing the approval of this law and removing the shortcomings of the reports of the officers.

Method: The current research from the point of view of practical purpose and in terms of method; It is an exploratory qualitative study that was conducted with content analysis and the statistical community including judges, lawyers, professors and law enforcement experts investigated the cases of misuse of this law as well as the shortcomings of the reports of the officers. According to the theoretical saturation, the sample size reached ۱۱ people and the data was collected through semi-structured interviews and analyzed through coding.

findings: The cases of abuse by criminals in the legislative mistakes and the most important shortcomings of the reports are summarized in the lack of variety of questions, the lack of accurate mention of events, the lack of using modern scientific methods, and the existence of violations.

conclusions: Reforming the law and criminal policy, making the police aware of their duties, reforming the investigation and interrogation process, realizing the scientific police, continuing training and dealing with violations and corruption are the solutions obtained to prevent evasion of the law, correcting the shortcomings of reports and increasing the authority of the police.

Keywords: authority, officers' reports, security, prevention, police